

### حکومت با دروغ پردازی

و تحمیل اطلاعاتی جعلی به مطبوعات، سعی دارد  
کشتار خلق ترکمن و فاجعه ترور توماج و همزمان را پرده پوشی کند  
● برای جلوگیری از افشای حقایق مناظره تلویزیونی را به تعویق انداخته اند

باکیسه های شن سنگرتدی  
شده بوده، نادرست و کذب  
محض است. هزاران نفر از  
مردم گنبد شاهد هستند که  
بیش از یک شبانه روز پس از  
بقیه در صفحه ۳

۱- ادعای سخنگوی سپاه  
پاسداران و شخص رئیس جمهور  
که گفته اند منازل شهرگنبد  
از روزهای قبل برای ارتباط  
سوراخ شده بوده است و  
برپام ها از روزهای قبیل

هر روز که می گذرد فاجعه  
ترور رفقا، توماج و همزمان،  
ابعاد سیاسی وسیع تری می یابد  
و مقامات رسمی جمهوری  
اسلامی را بیشتر در تنگنای  
سیاسی قرار می دهد.

استغفا یاد در حقیقت  
برکناری خاصه ای روی کار  
آمدن عباس دوزدوزانی که  
نام آشنائی برای فدائیان است  
که در رژیم شاه زندانی بوده اند  
و مصالحه ها و وسوسه ها  
اطلاعیهای رنگارنگ، جعلی و  
تحریف حقایق، علم کردن  
گروه های مجهول به عنوان  
عاملین ترور و مانورهای  
سیاسی رئیس جمهور که بیشتر  
از همه خود را در محاصره  
می بیند تنها قسمتی از  
تلاشهایی است که  
کارگزاران اسلامی برای جبران  
آسیب سیاسی که از این رهگذر  
دیده اند به عمل می آورند.  
از آنجا که هم میهنان باید  
از حقایقی که در میهنمان  
می گذرد، به درستی آگاهی و  
اطلاع یابند، سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران  
وظیفه خود می داند نکات  
زیر را به آگاهی مردم برساند

به یاد حماسه شهادت رفقا

توماج، مختوم، واحدی و جرجانی

در اجتماع ۹ صبح جمعه ۱۰ اسفند  
شرکت کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

### بنی صدر

#### بر ویرانه های حزب جمهوری اسلامی

اوضاع و احوالی که طی یکی دو هفته اخیر برحو سیاسی  
میهنمان حاکم شده است، شایسته بررسی دقیق است.  
پس از انتخاب رئیس جمهوری و کاهش نقش آیت الله  
خمینی در تصمیم گیری های سیاسی و با رشد ستابان نیروهای  
انقلابی، تعادل جدیدی در عرصه مبارزه طبقات پدید آمده  
است.

بارزترین تحولی که در تعادل نیروها پدید آمده است  
ایجاد شکاف عمیق در "روحانیون پیرو خط امام" است.  
این شکافها با کاهش چشم گیر نفوذ توده های این روحانیون  
همراه بوده است و در حقیقت انعکاس درماندگی روحانیت  
در پاسخ گوئی به مطالبات توده ها است. دیگر "روحانیون  
منهای امام" به هیچ وجه قدرت بسیج سابق را ندارند.  
"حزب جمهوری اسلامی" چنان به قهقرا رفته است که گوئی  
نفس های آخر را می کشد. این حزب همان حزبی است که سال  
گذشته در چنین روزهایی "همه کاره مملکت" بود و اکنون  
چنان ورشکسته است که تنها مرتجع ترین مرتجعین را  
حول و حوش خود دارد. مرتجعینی که چنان کور دل و  
تاریک اندیش اند که حاضر نیستند گامی از قرون وسطی  
فراتر نهند، مرتجعینی که هر چیز کهنه را، هر عتیقه را با تمام  
وجود عزیز می دارند. اینان که سرسختانه فکرمی کنند پیرو  
سیاست نه شرقی نه غربی هستند، در خیال خود همانقدر از  
امپریالیسم متنفرند که از کمونیسم نفرت دارند. ولی وقتی  
اینان می خواهند آن را پیاده کنند، یا فقط "نه غربی" یعنی  
ضدامپریالیستی از آب درمی آید یا فقط "نه شرقی" یعنی  
ضد کمونیستی. اینان همیشه پیش خود فکرمی کنند می توانند  
بقیه در صفحه ۲

### چه دشت هایی باندهای سپاه را رهبری میکنند؟

#### یورش به اجتماعات و راهپیمائی های نیروهای انقلابی زمینه سرکوب خلق است

راهپیمائی مردم بروجرد، در  
مند شهرمازندران، از جمله  
قائم شهروگرگان، به صفوف  
تظاهرکنندگان حمله کردند.  
شدت درگیری به اندازه ای بود  
که صداهات محروح شدند و  
عده ای نیز به شهادت رسیدند  
در شیراز نیز حزب الله  
گویان به صفوف تظاهر  
کنندگان حمله کردند و تعداد

یورش به راهپیمائی ها و  
اجتماعات نیروهای ترقی خواه  
و ضدامپریالیست که به  
مناسبت سالگرد قیام، سالروز  
حماسه سیاهکل و در اعتراض  
به دومرحله ای کردن انتخابات  
بزرگوار شده اند، موج تازه ای از  
خشم و نفرت مردم را در پی  
داشته است.  
پس از هجوم به ترکمن  
صحرا، پس از به خون کشیدن

### در این شماره:

این اسناد مشتمل بر دهان یاوه گویان و عوامفریبان

زمینداران ترکمن صحرا کانون فرهنگی سیاسی و ستاد نورها را سرسخت ترین دشمن  
خود می شناسند و سپاه پاسداران و شخص رئیس جمهور آنها را لایه فساد نخبه اند  
در صفحه ۷

توطئه های شورای انقلاب را در مسلح کردن  
سران عشاير و خن ها التامی کند  
در صفحه ۱۱

### سه تاکتیک برخورد با خرده بورژوازی

در صفحه ۹

ده روز در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی در گنبد (مست دوم)

در صفحه ۸

### قانون کار

#### باید توسط نمایندگان کارگران نوشته شود

قانون کار چیست؟ در یک  
نظام سرمایه داری بیان حقوقی  
روابط فیما بین سرمایه داران و  
کارگران، بیان حقوقی ملطه و  
بهره کشی و جسانه  
سرمایه داران از کارگران و  
زحمتکشان، قانون کار نام دارد  
قوانین بطور کلی و قانون  
کار بطور خاص در یک جامعه  
سرمایه داری مناسب است  
ظالمانه ای را که بین طبقه  
سرمایه دار و زمین داران بزرگ  
با طبقات زحمتکش و محروم  
وجود دارد، به سود اولی ها  
بطور قانونی تثبیت می کند و  
بقیه در صفحه ۴

در انتخابات مجلس از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پشتیبانی کنیم

تکتیک از سازمان و تجویز زیر بنده

### چه دست‌هایی باندهای سیاه را رهبری میکنند . . .

بقیه از صفحه ۱

آتش مسلسل می‌کشایند که از آن جمله تهاجم مسلحانه آنها به خانواده رفیق شهید، چریک فدایی خلق، زیرمرد می‌باشد. در مقابل تهاجمات آشکار این باندها که ارتباطشان با پاره‌ای از مقامات مسئول در شورای انقلاب، دولت، سپاه پاسداران، ارتش و بخش‌هایی از روحانیت محرر و مسحل

ریادی را مزدوم و مجروح ساختند. علاوه بر این در پاره‌ای از شهرها، مراکز سازمان‌های ترقیخواه را مورد تهاجم قرار دادند و آنها را به آتش کشیدند. همه این تهاجمات و ابعاد عظیم و فاجعه‌بارتر آن همچون کشتار خلق ترکمن و چهار تن از فدائیان خلق، توماج، واحدی، محتوم و حرثانی بیانگر تداوم سیاست سرکوب خلقهای ایران و نیروهای انقلابی و صدامیرالیست در میهن ماست.

این تهاجمات و تالان‌ها که توسط جناح‌هایی از حاکمیت کبونی طراحی و به اجرا درمی‌آید اسکله صورت خطری بزرگ در راه مبارزات صدامیرالیستی توده‌های رحمتکش میهن حلوه‌گر شده است که اگر نامقاومت یکپارچه مردم و نیروهای انقلابی روبرو نشود به سیاست سرکوب خلقها منجر خواهد شد.

هم‌اینک سرکوب انقلابیون و کشتار خلق ترکمن در اعدای به‌مراتب بزرگ‌تر از آن چیزی که انعکاس یافته است، جریان دارد. در کردستان شواهد و قرائنی وجود دارد که بیانگر مدارک سرکوب همه جانبه خلق کرد و کشتار انقلابیون آن است. در گیلان شواهد و قرائنی فراوانی که حکایت از توطئه و دسیسه‌های حدیدی می‌کند، دیده می‌شود.

از حمله در بندرانزلی، دستگیری‌ها و بازداشت نیروهای انقلابی و ترقیخواه هر روز ابعاد وسیع‌تری می‌یابد بلندکشی مسئول سپاه پاسداران بندرانزلی که مدارک فراوانی از او در دست است که با حاج‌ماشاءالله قصاب رئیس سابق کمیته مستقر در سفارت آمریکا ارتباط داشته و کشتار انزلی را به دستور او راه انداخته است و همچنان دست‌اندرکار است و این در حالی است که علاوه بر مورد بالا اسادی دال سر ساواکی بودن وی نیز در دست می‌باشد. بلندکشی و نادوی، در روز روشن به‌روی انقلابیون شهر

نظر دارند که آیا در کردار در صف توده‌های مردم و نیروهای ترقیخواه و ضد امیرالیست قرار می‌گیرند یا نه؟ سازمان ما، با ابراز انحراف از سرکوبگران و حامیان آنان در هر مقام و لباس که هستند حمله به راهپیمایی‌های مجاهدین خلق ایران را در قائم شهر، گرگان، شیراز و دیگر

است، سیاست رئیس جمهور تاکنون سیاست پشتیبانی و تشویق سرکوبگران و تهمت و افترا به انقلابیون و نیروهای ترقیخواه و سرکوب خلق ترکمن بوده است. مردم ما دیگر آموخته‌اند که شخصیت‌ها و احزاب را در عمل بیازمایند. آنها با دقت و هوشیاری مدعیان دفاع از انقلاب و منافع مردم را زیر

نقاط، قاطعانه محکوم می‌کنند مردم آگاه و مبارز میهن را به دفاع از حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی فرا می‌خواند و هوشیاری و اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و ضد امیرالیست را در مقابل تهاجم امیرالیست و طبقه سرمایه‌دار ایران خواستار است.

### بنی صدر پروبرانه‌های حزب جمهوری . . .

بقیه از صفحه ۱

انقلابیون کمونیست و دمکراتهای انقلابی را نادیده بگیرند. اما برخلاف میل ایشان نیروهای انقلابی با رشک و برق‌آسای خود آنان را به قبول موجودیت خویش وادار ساخته‌اند. کورترین جناح‌های آنان دست به خودکشی سیاسی می‌زنند. ترور رفیق توماج و هم‌زمان و حملات مذبحخانه به اجتماعات و راهپیمایی‌ها از بارزترین نمونه‌های آن است. این برای این تاریکاندیشان یک خودکشی واقعی سیاسی است زیرا بیش از همه حقانیت نیروهای پیشرو را به توده‌ها نشان می‌دهد.

اکنون بر ویرانه‌های به‌جامانده از "حزب جمهوری اسلامی" بنی صدر سربزآورده است. او این واقعیت را درک کرده است که نمی‌توان با بستن چشم‌های خود واقعیات موجود را نادیده گرفت. او برخلاف "حزب جمهوری اسلامی" نمی‌خواهد مثل کبک سر دربرف کند. او می‌بیند که اوضاع اقتصادی و بحران سیاسی رو به گسترش است. بنی‌صدر خوب می‌فهمد که نیروهای انقلابی و پیشرو چه بخواهد، چه نخواهد، رشد خواهند کرد. او می‌کوشد در برابر این واقعیت‌ها بهترین سیاست را انتخاب کند. او اکنون در این اندیشه است حال که نمی‌توان به تنهایی یکه‌تاز بود، حال که نمی‌توان همه نیروهای انقلابی را نادیده گرفت، یا همه را یکجا کنار گذاشت، پس بهترین سیاست با بخشی از آنان که راحت‌تر می‌توان با آن کنار آمد کنار بیائیم تا بتوانیم دیگری را بهتر منفرد کنیم.

بنی صدر مدعی است در سیاست خارجی هم از تکرار بی‌معنی دشمنی با هر دو اردوگاه سوسیالیستی و امیرالیستی پیروی می‌کند. حال آنکه وقتی او بخواهد در عمل این سیاست را پیاده کند، مجبور است دوستی با یکی از دو اردوگاه را بپذیرد و موهومات خود را کنار بگذارد.

بنی‌صدر از آستانه ریاست جمهوری ضمن حملات تند که به کمونیست‌ها و مشخص‌تر بگوئیم به فدائیان و احزاب مترقی کردستان وارد می‌آورد و در برابر آنان از قاطعیت خود سخن می‌گفت، با نیروهای رادیکال مذهبی و به ویژه سازمان مجاهدین خلق ایران، شیوه دیگری پیشه کرد و گهگاه نیز گوشه چشمی به آنان نشان داد. در عین حال بنی‌صدر در برابر ویرانه‌های "حزب جمهوری اسلامی" و تعبیرات بسیار غلیظ از ولایت فقیه ایستاد و با این شعار که مردم انقلاب کردند که قیم نداشته باشند، با آنان خط و مرز کشید. مدتی است که دیگر همه می‌دانند که بنی‌صدر همان شیوه‌ها و همان شکردهای "حزب جمهوری اسلامی" را به کار نمی‌بندد و با شعار اضمحلال تعدد مراکز تصمیم‌گیری می‌کوشد زیر پای خود را سفت کند.

از سوی دیگر بنی‌صدر تنها خود را به این مانورهای سیاسی بین نیروهای سیاسی محدود نمی‌کند. او قاطعانه و با خطی روشن به سازماندهی و بسیج و یک‌کاسه کردن

نیروهای مسلح پرداخته است. بنی‌صدر خدایتناوب خود را به این می‌کشد که برای اجرای این سیاست خود را به توجیه خود می‌کشد. او می‌گوید برای اجرای این سیاست خود را به توجیه خود می‌کشد. او می‌گوید برای اجرای این سیاست خود را به توجیه خود می‌کشد. او می‌گوید برای اجرای این سیاست خود را به توجیه خود می‌کشد.

بنی‌صدر در اجرای این سیاست تا امروز تا حد زیادی موفق بوده است زیرا عده‌ای از روحانیون صاحب نفوذ هم اجباراً سیاست خود را در برابر کمونیست‌ها خصمانه‌تر و در برابر مجاهدین آشتی‌جویانه‌تر ساخته‌اند. موفقیت کنونی مجاهدین و ساختن ایدئولوژیک آنان نیز از عوامل بسیار موثری است که در بررسی موضع بنی‌صدر نسبت به نیروهای مختلف نباید به آن بی‌توجه بود. اما اکنون مهم‌ترین مسئله روابط بین نیروهای سیاسی مختلف، گسترش زمینه‌هایی است که می‌توانند به اتحاد نیروهای واقعا ضد امیرالیست و انقلابی بیانجامد. ما کمونیست‌ها که تقویت صف نیروهای واقعا ضد امیرالیست و دمکرات را یکی از مهم‌ترین وظایف خود می‌شماریم، نسبت به سیاست آقای بنی‌صدر نمی‌توانیم بی‌توجه بمانیم.

ما باید با تأکید روی ضرورت گسترش اتحاد عمل نیروهای انقلابی برای مردم میهن خود توضیح دهیم که چگونه این سیاست می‌کوشد از طریق تشدید فشار روی کمونیست‌ها و قائل شدن برخی امتیازات برای سایر نیروهای مترقی، تکوین جبهه نیروهای ضد امیرالیست و دمکرات را به تأخیر اندازد.

## بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



### باشیوه های آریامهری نمی توان

### فاجعه ترور فدائیان خلق را پرده پوشی کرد

نلاس های بی شرم نامی که از جانب جناح هایی از حاکمیت برای سرکوب خود و نسبت دادن فاجعه هولناک ترور رهبران مردم ترکمن به گروه های موهوم جعلی با همکاری مزدک روزنامه های رسمی و غیر رسمی صورت می گیرد. مردم با دیدن این فاجعه سیمای زکین آنرا انداخته است و مردم شاه ترسب دهند و آنرا با امید یوحا دسی حواس این جنایت را به کردن دیگران می کشند.

نلاس های جعلی و مصحکی که برای لوث کردن حنا - شهید توماج، محیوم واحدی و جرحانی صورت می گیرد، تنها عمق این جنایت را آشکارتر ساخته و چهره حقیقی تری آریامهری جنایتکاران و رشکسته و رسوا را در پیشگاه خلق های فهردان ایران به نمایش می گذارد.

ماررغس خمپه سوری و روزنامه های رسمی می برسیم:

چرا گزارشات و احبار مربوط به این جنایت هولناک که اینک جنوکی آن بر همه مقامات رسمی روشن است با اصلاحات نمی شود و باطور جسته و گریخته در لای لای روزنامه کم می شود. اما جعلیات مسخره ای که ساواک نیز جرات جعل آن را داشت و البته با آگاه ترین مردم نیز آن را دروغ محص می دانند، بعنوان

## حکومت با دروغ پردازی و تحمیل ...

بقیه از صفحه ۱

درگیری ها هیچگونه تعرض و تدافع نظامی از طرف مردم شهرگنبد صورت نگرفته است. فقط سنگرهای سپاه پاسداران در بالای ساختمان حزب توده (ساختمان جعفریای) و درکنج دیوارها و در مقابل ساختمان کانون و دو سنگر آتش دیگری که بالای دو ساختمان در میدان بهار از طرف آخوند صیامی و دیگر مرتجعین برپا شده بود. تنها از روز شنبه ۲۱ بهمن بعد از شلیک سپاه پاسداران به سوی مردم، که با اسلحه کالیبر ۵۵ صورت گرفت، مردم شروع به دفاع از خانه های خود می کنند.

۲- ادعای سخنگوی سپاه پاسداران درباره پرتاب نارنجک از سوی مردم به سوی عده ای که به صف راهپیمایان ۱۹ بهمن حمله می کردند، صدها نفر از مردم در آنجا حضور داشته و دیده اند که نارنجک در دست کسی منفجر شده است که می خواست آن را به سوی صف راهپیمایان برتابد. صدها نفر خود باطرصحنه بوده اند و تمام مردم شهرگنبد می دانند که حقیقت چیست. این دروغ مذبحوا به هیچ مشکلی از آقایان حل نخواهد کرد.

۳- آقای رئیس جمهور و سخنگوی سپاه گفته اند که "گروهی" اطلاعاتی صادر کرده اند و مردم را به حمله دعوت کرده اند. این نیز دروغ محص است. اطلاعاتی که از جانب سپاه پاسداران گنبد کاووس با امضای جعلی دادستان انقلاب اسلامی منتشر شده است. این بار خود کارگزاران جمهوری اسلامی ایران رسماً خودشان مردم را دعوت به حمله به ناطق اهراب کرده اند به یک گروه سیاسی مخالف.

۴- ادعای به دست آمدن اسلحه های دهقانی چنان مصحک است که بیاری به نکدی ندارد. خاعلین خسرو اسدادان عوام فریبی چنان در سکا فرار گرفته اند که محصور شده اند رژیم سابق را روسعد کند. خاعلین این دروغها باید هر چه سریع تر در محکمه قضاوت خلق ایران به قضاوت کشیده شود تا مردم بدانند که ماهیت آنان چیست و اسناد ادعائی شان کدام است.

۵- سیخ صادق خلخالی

سخنگوی سپاه پاسداران مدعی شده اند که گویا توماج و هم رزمان به دست گروه های مهاجم شهید شده اند. حال آن که این خبر هم کذب محص است. روزنامه های صبح و عصر روز سه شنبه نیز اطلاعاتی به نام فدائیان خلق ترکمن به چاپ رسانده اند که مسئولیت کشتن چهار نفر از اعضای سازمان را بر عهده گرفته است. این سخن اطلاعاتی ها تا ما جعلی و نمونه بارزی است از کارهای ساواک منحل. نوع تنظیم متن و تحمیل درج کامل متن و اطلاعاتی ها به مطبوعات نیز وابستگی صادرکنندگان اطلاعاتی ها را به مقامات و قدرت های رسمی نشان می دهد. چاپ این اطلاعاتی ها در مطبوعات خود دلیل دیگری است برای آن که دستگاه جهنمی ساواک را متحدید سازمان کرده اند.

۶- سخنگوی سپاه پاسداران گفته است "پاسدارانی که این عده را به تهران برده و بازگردانیده اند خودشان در درگیری های گنبد در سنگر شهید شده اند". این ادعا که مشخصاً برای سرپوش گذاشتن بر حقایق و محو آثار جنایت عنوان شده است، نیز کذب محص است. زیرا رفقا هر چهار نفر، تا آخرین ساعات زور بچشنبه ۲۵ بهمن ماه هنوز در تهران تحت بازداشت یکی از مسئولین سپاه پاسداران به نام محسن رفیق دوست بوده اند و پاسدارانی که توماج و هم رزمان را به گنبد بازگردانیده اند بعد از روز جمعه به گنبد رسیده اند حال آن که بعد از کوچ مردم گنبد که طی نیمه شب چهارشنبه صورت گرفت، یعنی از صبح روز چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه به بعد به استناد اخبار روزنامه ها نه سنگری در شهر وجود داشته است و کسی از سپاه پاسداران کشته شده است. فیلمی که از وضعیت شهر گنبد در روز جمعه تهیه شده بود و از تلویزیون پخش کردید دلیل دیگری است که در عکسهای سخنگوی سپاه پاسداران را به اسناد می رساند. آن وقت چطور می توانست پاسدارانی که زفقارا روز سه ۲۷ به گنبد آورده اند در درگیری هایی که پس روز ۲۱ تا ۲۴ بهمن وجود داشته کشته شده باشند؟ سخنگوی سپاه پاسداران دروغ بی معنی

گفته تا شاید بتوانند جلوی تحقیقات وسیع مردم را بگیرند. - آیت الله خلخالی گفته است که از بازداشت رفقا اطلاعی ندارد. و احتمال می دهد که آنها گنبد گنبد درگیری با پاسداران کشته شده اند و جنازه های آنها را فدائیان خلق پس از شکست کامل و عقب نشینی در سر راه انداخته اند.

گفته های خلخالی که یادآور دروغ های شرم آور وی درباره شهادت رفیق شهید مادکتر بشوند سرداری است، کذب محص است. زیرا اولاً - خود وی هم به فرستاده سازمان گفته است که آنان را به تهران فرستاده است و هم این نکته را در روزنامه کیهان مورخ ۲۹ بهمن تأکید کرده است و امروز که این جنایت بر ملا شده است آن را تکذیب می کند.

ثانیاً - اگر مطابق حرف های بی سروته خلخالی، پاسداران در بین راه درگیر شده باشند چرا بلافاصله خبر این درگیری را انتشار نداده اند و قضیه را پنهان کرده اند. این جنایت قبل از روز سه شنبه ۲۹ بهمن مباحه رخ داده است و حال آن که مطبوعات اولین بار خبر آن را روز سه ۴ اسفند انتشار داده اند.

همه این حقایق نشان می دهد که مسئولین و فرماندهان اصلی سپاه پاسداران در تهران نیز از طرح این توطئه جنایتکارانه بوده اند که توسط در جبهانشان به اجرا گذاشته شده است.

یادآوری می کنیم که ناخبر رئیس جمهور در آنحسام مناظره تلویزیونی هنگام توجیهی نمی تواند دانسته باشد چرا که آقای رئیس جمهور نیز از فاجعه ترور رفقا یا ناسند برخلاف معمول همسکی این باصراحت و روسی حقایق ترور رهبران خلق ترکمن را به مردم نکود. با ناسند حقایق نکان دهنده ای را که افشا شده است کمان کشد و در سگاه ۱۰ میلیون معری که در شرایط فقدان کاندیداهای سازمان های انقلابی به وی اعتماد کرده و رای داده اند دست در دست جنایتکاران ساواکی نگذارد.

**شاه ادعا می کرد:**

**فاجعه سینما رکس آبادان به دست "افراطیون مذهبی" صورت گرفته است.**

**حالا**

**با انتشار اطلاعاتی جعلی در مطبوعات ادعا می کنند:**

**فدائیان دلاور خلق ترکمن، مختوم توماج، واحدی و جرحانی را یک "گروه موهوم تروریستی" در زندان جمهوری اسلامی ترور کرده اند.**

**مردم قضاوت خواهند کرد**

## سانسور، دروغ و جعل حقایق را افشا کنیم

کارگران کارخانه مینو:

### آقای وزیر کار از کدامیک طرفداری میکنید؟

### خسروشاهی سرمایه دار معروف

### یا کارگران مینو؟

همیشگی در کارخانه جزبان دارد و فقط بطور نوبتی عده‌ای از کارگران از هرسالن برای نگهبانی و پاس‌گوشی به مراجعه‌کنندگان تعیین می‌شدند.

کارگران از درهای ورود و خروج از سالی‌ها و با یگانگی هتا مراقبت می‌کنند و اجازه خروج هیچ‌پرونده‌ای را نمی‌دهند. کارگران از چهارمدرسه بازداشتی خواسته‌اند که تا پایان یافتن این مسئله از شرکت خارج شوند.

در این مدت عوامل کارفرما سعی می‌کنند در بین کارگران تفرقه و دودستگی ایجاد کنند که تاکنون با هوشیاری کارگران نقشه‌های این عوامل مزدور نقش بر آب شده است.

سرمایه‌داران و عوامل آنان از حمایت مقامات رسمی برخوردارند، از کمیته مرکز و منطقه ۹ غرب تهران گرفته تا رئیس جمهور بنی صدر و وزیر کار هم به حمایت از خسروشاهی‌ها وارد میدان شده و به سرمایه‌داران توصیه می‌کند:

"زیر بار زور نروید.!!" رئیس جمهور بنی صدر هم حرکتی کارگران را محکوم کرده و گفته است:

"این عمل باعث می‌شود که کارگران در دیگر کارخانجات نیز دست چنین اقداماتی بزنند." حمایت کارخانجات دیگر از این حرکت کارگران مینو چشم‌گیر است. کارگران کارخانه علاءالدین طی یک راهپیمایی با شعارهای:

"کارگران مینو درد شما درد ماست" "کارگران مینو راه شما راه ماست"

از کارگران مینو اعلام پشتیبانی کرده‌اند. اعلامیه‌های همبستگی از بلندگوی کارخانه پخش می‌شود. تاکنون کارخانه‌های دکتر عبیدی، فارماشیمی، علاءالدین، پخش مینو در همدان و چندین کارخانه دیگر از حرکت انقلابی کارگران کارخانه مینو پشتیبانی کرده‌اند.

یک سال پیش شورای کارگری کارخانه مینو، وقتی با کارشکنی‌های مداوم کارفرما خسروشاهی سرمایه‌دار معروف، خود را مواجه دید، برای درهم شکستن توطئه‌های کارفرما و جلوگیری از تعطیل کارخانه، خواهان شرکت در مدیریت کارخانه شدند.

هیئت مدیره تغییر کرد و ترکیب هیئت مدیره به شکل زیر درآمد: دو نماینده کارگر، دو نماینده کارفرما و یک ناظم دادستانی کل انقلاب.

پس از چند ماه که از عمر این هیئت می‌گذشت اکثریت نمایندگان کارگران از شورا و هیئت مدیره به علت کارشکنی‌های کارفرما و حمایت شورای انقلاب و دولت موقت از خسروشاهی استعفا کردند و حتی ناظر دادستانی نیز با دیدن این اوضاع و اینکه شورای انقلاب و وزارت کار از خسروشاهی‌ها پشتیبانی می‌کنند، از هیئت مدیره استعفا کرد و شرکت در مدیریت سرمایه‌داران وابسته را بی نتیجه اعلام کرد.

روز دوشنبه ۲۹ بهمن کارفرمایان پس از مدت‌ها به کارخانه مراجعه کردند. کارگران نیز وقتی از ورود علی و جلیل خسروشاهی اطلاع یافتند، در دفتر او حضور یافتند و خواسته‌های خود را به شرح زیر مطرح ساختند:

- ۱- ملی شدن کارخانه.
- ۲- پرداخت سود ویژه واقعی سال ۵۸.
- ۳- پرداخت عیدی معادل دریافتی کارکنان دولت.
- ۴- پرداخت ۱۱ میلیون تومان باقیمانده سود سال ۵۷ خسروشاهی‌ها، کارگران را تهدید کرده و به خواست‌های برحق آنان پاسخ منفی دادند.

کارگران مبارز کارخانه مینو نیز تا رسیدن به یک نتیجه قطعی از خروج سرمایه‌داران جلوگیری کرده و خواست‌های خود را طی نامه‌های متعدد به تمام ارگان‌های مملکت اعلام کردند و خواستار رسیدگی به وضع این کارخانه شدند. در حال حاضر کار طبق روال

### قانون کار باید توسط نمایندگان کارگران نوشته شود . . . بقیه از صفحه ۱.

شرکت نمایندگان واقعی کارگران تدوین شود. کارگران یک‌صدابرایین عقیده‌اند که قانون کار جدید باید تنها توسط نمایندگان واقعی آنها نوشته شود. کارگران می‌دانند که تحقق این خواست تا چه اندازه درزندی و مبارزه و آئینده آنها نقش خواهد داشت. کارگران نه بر این پان جزه از قانون کار، بلکه بر کل قانون

چنین تبلیغ می‌کند که قانون کار را برای تأمین منافع کارگران نوشته است، درحالیکه کارگران می‌دانند سرمایه‌داران و سیاستمداران و نمایندگان آنها هیچ‌وقت به سود طبقه کارگر قانونی را به تصویب نمی‌رسانند مگر آنکه مبارزات طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان تصویب چنین قانونی را به آنها تحمیل کرده باشند. طبقه سرمایه‌دار و دولت

به آن مشروعیت و رسمیت می‌بخشد. قانون کار "محصول ضروری صنعت بزرگ است" و از سوی دیگر محصول مبارزه طبقاتی، محصول سطح مبارزه حوثی طبقه کارگر و میزان آگاهی و تشکل آن است. مبارزات کارگران، سرمایه‌داران را وادار می‌کند که عقب نشینی کنند، امتیازاتی به کارگران بدهند و تن به اصلاحاتی در قانون کار بپردازند.

اما با این همه سرمایه‌داران با تمام قوا می‌کوشند آن بخش از قوانینی را که کارگران در جریان مبارزه به سود خود به تدوین رسانده‌اند، زیر پا بگذارند تا آنجا که می‌توانند از اجرای آن جلوگیری به عمل آورند و این بخش از قوانین را تا نوشته‌های بی‌بو و بی‌خاصیتی بر روی کاغذ تنزل دهند.

اینها حقایقی است که طبقه کارگر ایران، این محروم ترین طبقه جامعه ما، آنها را با

یکی از دستاوردهای طبقه کارگر ایران قبولانیدن تغییر قانون کار سابق و تدوین قانون کار جدید است. اکنون کارگران خواستار آنند که قانون کار جدید با نظر و شرکت نمایندگان واقعی آنها تدوین شود.

کار سابق اعتراض دارند و آنرا نمی‌پذیرند. طبقه سرمایه‌دار، شورای انقلاب و دولت جمهوری اسلامی می‌کوشد خواست کارگران را تا حد اصلاحاتی در قانون کار تنزل دهد. این را کارگران آگاه، مبارز و پیشرو درک می‌کنند و تا به آخر در راه خنثی کردن این اقدام ضد کارگری مبارزه خواهند کرد.

اکنون کارگران میهن ما، مصمم‌اند نه تنها "قانون کار جدید" را با نظر نمایندگان واقعی خود به تصویب برسانند بلکه خواهان آنند که شوراها و کارگری و نمایندگان منتخب آنان بر اجرای این قانون نظارت داشته باشند و تضمین‌های لازم برای اجرای آن به عمل آید.

آنها می‌گویند باید "شورای عالی" متشکل از نمایندگان واقعی کارگران تشکیل شود و بر اجرای صحیح "قانون کار جدید" نظارت داشته باشد.

آن همیشه چنین تبلیغ می‌کند که قوانین چیزی مقدس، الهی و غیر قابل تغییر است، آنان می‌کوشند با زنجیر قانون، کارگران، دهقانان و زحمتکشان را به بند کشند و در اسارت سرمایه‌داری نگهدارند.

آنها رعایت قوانین سرمایه‌داری را از این روتبلیغ می‌کنند تا سلطه و بهره‌کشی طبقه سرمایه‌دار را از هرگونه عرصی محفوظ نگهدارند. ایجاد ترس و رعب از سرپیچی قانون، وسیله‌ای است در دست طبقه سرمایه‌دار و دولت آن تا فرمانروایی سرمایه‌داران را بر کارگران مستحکم تر سازد.

همه می‌دانیم که طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما، در درهم شکستن نظام شاهنشاهی نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند و نیز همه می‌دانیم که به علت آنکه طبقه کارگر ایران، سازمان سیاسی خاص خود را نداشته، نتوانست سهم شایسته خود را به دست آورد. دیدیم که چگونه از فردای قیام یکی پس از دیگری دستاوردهای او را از چنگش بدر آوردند و هم‌اینک نیز تمام تلاش‌ها در این مسیر جریان دارد.

یکی از دستاوردهای طبقه کارگر ایران، در جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک اخیر قبولانیدن تغییر قانون کار سابق و تدوین قانون کار جدید است. اکنون طبقه کارگر ایران خواستار آن است که قانون کار جدیدی با نظر و

گوش و پوست خود تجربه کرده است. بهره‌کشی وحشیانه ستگری و سلب کوچک‌ترین و ابتدائی ترین حقوق (اخراج بدون دلیل طبق ماده ۳۳ قانون انضباط کار . . .)، زورگویی و اجحاف به بدترین شکل ممکن سرکوب به وحشیانه‌ترین صورت و نادیده گرفتن حقوق طبقه کارگر در ایجاد سازمان‌ها و تشکیلات صنفی و سیاسی خاص خود همه نمونه‌هایی است که قوانین کار موجود به شکل‌های مختلف بر آن صحنه می‌گذارد. حکومت طبقه سرمایه‌دار، همیشه کوشش می‌کند که به طبقه کارگر، به دهقانان و به همه زحمتکشان جس تلفین کند که قوانینی را که خود او وضع می‌کند، بهترین قانون‌ها و به سود همه طبقات است. او



## مبارزات کارگران شهرداری بندر عباس

صبح روز شنبه هشتم دیماه کارگران شهرداری بندرعباس که حدود ۷۰ نفر می باشند، برای اعتراض به بخشنامه وزارت کشور در شهرداری اجتماع می کنند. وزارت کشور جمهوری اسلامی در این بخشنامه کارگران را از حق استفاده از ۱۲۰ ساعت اضافه کاری و نیز اضافه کاری روزهای تعطیل بازمی داشت. کارگران می دانستند که اگر اضافه کاری و جمع کاری به آنها پرداخت نشود، با توجه به کسر مالیات و بیمه با این گرانی سرسام آور نمی توانند زندگیشان را بگذرانند.

آنها یک صد نفر را می زدند: "یا مرگ یا حق"

بعلاوه کارگران خواستار آن بودند که عناصر غیر مسئول که از طرف کمیته در شهرداری مشغول کار هستند و هیچ نوع سمتی از نظر اداری ندارند، تصفیه شوند و نیز به نامهای که

در آن اسامی ۷ نفر از نمایندگان کارگران نوشته شده و به دادگاه انقلاب فرستاده بودند. اعتراض داشتند از طرف شهرتانی چند پاسبان و معاون شهرتانی به محل می آیند و جلو در ورودی شهرداری را می گیرند و از آمدورفت ارباب رجوع و اشخاص متفرقه جلوگیری می کنند. کارگران جلو استانداری جمع می شوند و از رفتن استاندار و معاون اداری و مالی و معاون سیاسی و شهردار جلوگیری می کنند. به این ترتیب تا نزدیک غروب این اعتراضات ادامه دارد. حدود ساعت ۶ شهرداری خواهد از پراکندگی کارگران استفاده کند و آهسته از استانداری بگریزد. کارگران متوجه می شوند. بطرف آنها هجوم می برند، شهردار فرار می کند. روز بعد در حالیکه باران به شدت می بارید، کارگران بازم جلو در استانداری جمع

شدند و معاون اداری و مالی کارگران حاضر شد. و کوشید آنان را فریب دهد. کارگران هورامی کشند و با فریاد مانع حرف زدن او می شوند. در این هنگام استاندار و شهردار شروع به صحبت می کنند که کارگران مانع می شوند. در همین موقع حدود ۲۰ نفر از اهالی محله های شهرتانی دوهزار و پانصد و اطراف یادبود، که اکثرا زن بودند، داخل استانداری شدند و پیکر است به اتاق معاون استانداری می روند و او را بیرون می کشند و می گویند: "ما طرف کارگرهای شهرداری هستیم خانه هایمان را آب گرفته است، شما کانالها را نیمه کاره گذاشته اید پولها را خورده اید و به حقوق کارگران رسیدگی نمی کنید. شما عوض اینکه این کارها را بکنید فقط می دزدید و می خورید."

در همین روز هیئت از وزارت کشور وارد استانداری می شود. استاندار در حضور هیئت به کارگران نامه ای می دهد که اضافه کاری و حق جمع کاری به آنها پرداخت نماید و شکایت از نماینده کارگران را پس بگیرد و از این پس هیچ کارگر یا نماینده ای را به دادگاه احضار نکند و افراد غیر مسئول (حدود ۱۲ نفر) از تاریخ نهم دیماه دیگر هیچ سمتی نداشته باشند. به این ترتیب اعتصاب عصر روز یکشنبه پایان می یابد.

در روزهای بعد شهردار فقط تعدادی از این افراد را به قسمت های دیگر منتقل می کند و خود به تهران می رود. پس از بازگشت به کارگران می گوید که گفتام ما به تفاوت حقوقتان را بپردازند و در مورد اضافه کاری هم بیش از ۸۰ ساعت نمی دهم و از جمع کاری هم خبری نیست. این

موضوع باعث اعتراض محدود کارگران می شود. شهردار و ایادی او کارگران را تهدید می کنند و ۱۳ نفر از نمایندگان کارگران را در شهرک سعوی بازداشت می کند. کارگران روز شنبه ۹ بهمن حدود ساعت ۱۱/۵ اعلام اعتصاب کرده و در شهرداری جمع می شوند و فریاد می زنند: "مرگ بر شهردار"

شهردار می کوشد فرار کند ولی کارگران با عوسبازی متوجه او می شوند و راه فرارش را می بندند و در محل سه گروه می گیرند. کارگران می گویند: "تا نماینده ما آزاد شود، شهردار را آزاد نخواهیم کرد و ۱۲۰ ساعت اضافه کاری و ماهه تفاوت را از شهرداری خواهیم گرفت."

## کمکهای مالی دریافت شده

توالد	د	س	ع	ک	ن
۱۵۷۷۷	۳۸۵۱۷	۲۳۸۲	۵۰۱۰	۶۱۲	۱۸۳۲
۵۱۱۸	۵۱۱۱	۱۹۰۵	۵۲۱۶	۶۳۵۷	۱۰۷۱۶
	۳۵۸۲	۲۴۸۵	۵۰۲۴۵	۲۲۰۱	۳۰۶۹۲
	۳۷۱۹	۱۵۵۷۵	۲۵۴۱	۲۳۲۱	۱۰۰۰
	۱۱۹۲	۱۱۲۷	۵۸۱۲	۳۳۲۲	۸۰۷
	۱۱۹۹۵				
پ	ر	ش	ع	م	و
۳۰۱۹		۲۵۹۹۵	۲۰۹۲۷		
۵۱۲۰					
۵۸۱۷					
ج	ز	ص	ف	ب	ی
۲۰۰۲۸	۵۱۲۲	۲۱۰۲	۱۲۰۰۰	۱۱۲۷	۱۱۶۰۰
۲۰۲۷۶	۵۳۵۰	۷۲۲۰	۲۲۲۱	۷۵۲۲۲	۱۱۲۷
۳۰۲۵۵	۵۲۴۲	۱۰۰۸۹۵	۲۶۲۱	۵۲۲۲	۱۲۲۲
۸۰۰	۱۹۰۲	۱۰۰۰۲	۲۶۷۲	۵۲۲۲	۱۰۸۸۸
۵۱۳۲	۱۶۲۲۲	۲۷۷۷	۵۴۲۲	۱۵۱۵۰	۲۰۵۰
	۱۵۰۷	۲۳۲۵	۵۲۲۷	۲۰۱۲	۱۰۱۶۵
	۵۶۳۳۷	۱۰۹۶۲	۱۰۱۰۱	۱۲۸۰۹	
		۱۰۱۱۱		۳۰۲۲۵	
ح	س	ط	ق	ی	بدون حرد اول سام
۵۳۶۰	۱۰۵۵۵	۱۵۰۰	۱۰۹۷۶	۵۳۲۷	۲۹۷۲
۱۰۲۲۵	۸۵۹	۵۹۹۹	۲۰۸۱	۱۲۲۱	۵۹۱۱
	۲۲۱۲		۲۰۸۱	۱۵۶۶۶	
	۱۴۶۲۸		۵۱۰۰	۱۰۷۲۶	
	۳۷۹۹		۲۰۳۰۹	۵۲۲۲	
	۱۵۰۰		۲۳۰۰	۹۲۰	
	۷۸۰۲			۵۵۵۲	
	۳۱۴۱			۱۰۹۲۶	
	۲۰۱۹			۶۴۲۶	
	۲۶۱۲			۲۵۹۶	
	۲۶۱۲			۲۲۰۰	
	۲۶۱۲			۵۲۹۲	
	۲۶۱۲			۵۲۲۲	
	۲۶۱۲			۲۱۱۹	
	۲۶۱۲			۱۷۰۰	
	۲۶۱۲			۱۱۲۲	
	۲۶۱۲			۱۰۱۵۰	
	۲۶۱۲			۲۲۲۰	
	۲۶۱۲			۳۰۲۲۲	
	۲۶۱۲			۱۴۴۷۱	

## شورای شرکت صنعتی آژور بانروی اتحاد کارگران کنترل کارخانه را بدست گرفتند

مبارزات آنان باشد. این شورا تاکنون به پیروزیهای زیر دست یافته است:

۱- شورا اعلام کرد که کارفرما به هیچ وجه حق خروج کالاهای تولیدی یا مواد اولیه را ندارد. توسل کارفرما به کمیته مستقر در شاه آباد و به دنبال آن به وزارت کار به نتیجه نرسید زیر کارگران با اتحاد و تشکل خود این مانع را موقتاً بر طرف ساختند.

۲- شورای کارخانه در تاریخ ۱۳ بهمن قطعنامه های صادر نموده و طی آن اعلام داشت "جهت احقاق خواسته های طبیعی و به حق خود راهی جز مبارزه نمی شناسد و خواسته های خود را در این مرحله از طریق این قطعنامه که مورد پشتیبانی همه

کارگران است، طرح و تا تحقق آن کنترل کارخانه را در اختیار می گیریم"

۳- به دنبال این قطعنامه در تاریخ ۱۷ بهمن در حضور کارفرما، شورا و اعضا کمیته دیوه تصمیم گرفته شد که چون کارفرما حاضر نیست خواسته های کارگران را برآورده سازد لازم است که با لغو قرارداد های قبلی مدیریت و کنترل کارخانه به شورا واگذار شود.

فروش کالا و پرداخت حقوق کارگران وسیله شورا از تاریخ ۲۱ بهمن شروع شده است.

لازم به یادآوری است که در تمام طول مبارزه، کالاتولید شده و کارگران از کار بازمانده اند و مواد اولیه کارخانه نیز به وسیله کارگران تامین می شود.

این شرکت، واقع در جاده قدیم کرج در سال ۱۳۴۵ تاسیس شده و محصولات آن اجاق گاز پلوپز و بخاری است. ۱۰۰ کارگر در این شرکت به کار اشتغال دارند.

کارفرمای کارخانه به نام جلیلی بعد از قیام بطور مرتب شروع به اذیت هر چه بیشتر کارگران نموده و در نهایت سعی داشت با فروش دستگاه های کارخانه مانند کوره پرس، تولید را خواباند. کارفرما برای پیشبرد هدف های خود بطور مداوم دست به اخراج کارگران آگاه و مبارزمی زد.

کارگران برای مقابله با اقدامات ضد کارگری کارفرما، ابتدا شورای جدیدی تشکیل دادند که قادر به هدایت

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه میکنند

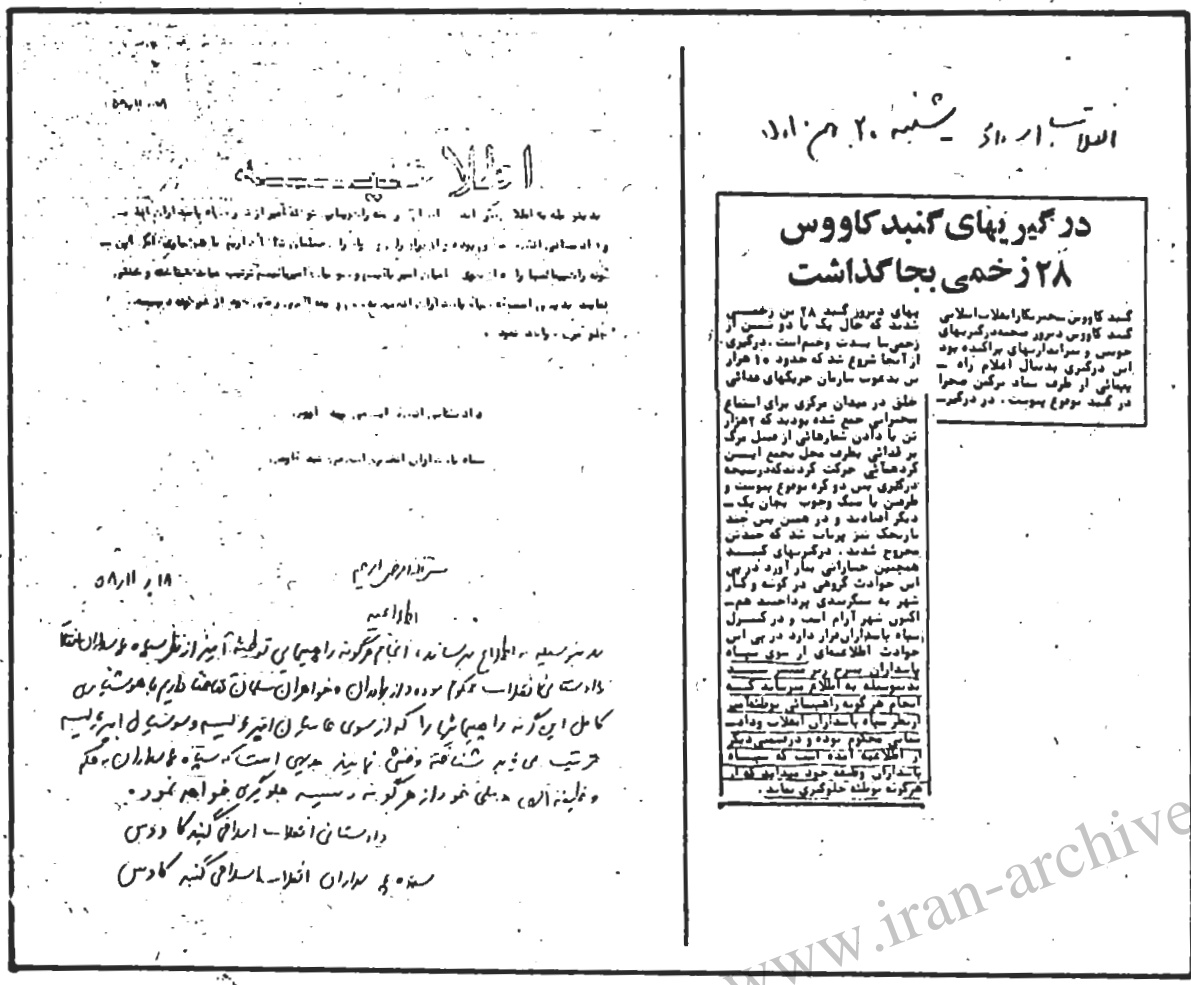
### طبق این سند

## سپاه پاسداران از قبل قصد حمله به راهپیمائی مردم گنبد را داشته است

● نمونه‌ای از دروغ پردازی‌های روزنامه انقلاب اسلامی  
● از تهران به سپاه پاسداران گنبد تلفنگرام شده بود که راهپیمائی فدائیان را برهم بزنند

کشتار فجیع انقلابیون گنبد یکبار دیگر پرده‌ها را به کنار زد و چهره واقعی تری از جناح‌های حاکم در جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت.  
رئیس جمهور و روزنامه او که آشکارا با اصطلاح "قاطعیت" با خلق ترکمن و انقلابیون به دشمنی می‌پردازد از همان آغاز به تحریف حقایق پرداخت. از حمله این روزنامه (روزنامه انقلاب اسلامی) روز شنبه ۲۵ بهمن ۵۸، ضمن گزارش اخبار تحریف شده‌ای از درگیری‌های گنبد می‌نویسد: "در پی این حوادث اطلاعاتی از سوی سپاه پاسداران به شرح زیر منتشر شد: بدین وسیله به اطلاع می‌رساند که انجام هرگونه راهپیمائی توطئه‌آمیز از نظر سپاه پاسداران انقلاب و دادستانی محکوم بوده... روزنامه اینطور القا می‌کند که گویا اطلاعیه پس از درگیری‌های گنبد صادر شده است در حالیکه

سند زیر عکس آن را به اثبات می‌رساند:  
چنانچه از سند برمی آید اطلاعیه سپاه پاسداران در تاریخ ۱۸ بهمن ۵۸ صادر شده است نه بعد از درگیری‌ها. این سند نشان می‌دهد که چگونه فرماندهی سپاه پاسداران و محافل ارتجاعی درون آن از قبل درصدد جنگ افروزی در گنبد بوده‌اند. اطلاعات موجود گواهی می‌دهد که نقشه حمله به راهپیمائی فدائیان از مرکز طراحی شده و از قبل تمامی تدارکات لازم به عمل آمده است و روزنامه انقلاب اسلامی نیز به شیوه معمول کوشش کرده است حقایق را از چشم مردم پنهان سازد و زمینه را برای عوام قریبی و ایجاد جو مساعد برای سرکوب خلق ترکمن و انقلابیون کمونیست فراهم آورد تا با دست بازتری سرکوب "خانه‌خانه" عملی شود.



## قطعنامه راهپیمائی مردم مهاباد به پشتیبانی از خلق ترکمن

کرد و فقط با هیئت نمایندگی خلق کرد ضروری است. مذاکره با هیچ گروه یا فردی و سر مبنای هر طرحی مغایر با طرح ۲۴ ماده‌ای محکوم به شکست است.  
۹- ما توطئه‌ها و اقدامات همه نیروهای مزدور قیاده موقت و سپاه‌رزاری و دیگر نیروهای وابسته در منطقه که با وجه‌المصلحه قراردادان مصالح و منافع خلق کرد مستقیماً در خدمت امپریالیسم هستند، محکوم کرده و اعلام می‌داریم که این توطئه‌ها و اقداماتشان را درهم خواهیم کوبید.  
۱۰- ما توطئه‌های محافل وابسته به امپریالیسم رادر جهت پیشگیری از افشای دوستان و جاسوسان امریکا و سد کردن مبارزه گسترش یافته ضد امپریالیستی را محکوم می‌کنیم.  
۱۱- ما اعلام می‌کنیم در فرستادن نماینده خود به مجلس فعالانه شرکت خواهیم کرد.  
هیئت برگزارکننده میتینگ

به دست نیروهای سرکوبگر بازداشت شده‌اند هستیم.  
۶- ما سیاست جنگ افروزی و گسترش جنگ را در کردستان که هم‌اینک با بمباران و جنگ در کامیاران و محاصره اقتصادی پناه و نوسود همراه است بشدت محکوم می‌نمائیم، از دفاع قهرمانانه پیشمرگ‌های جنبش مقاومت خلق کرد و مقاومت قهرمانانه مردم کامیاران و پناه جدا پشتیبانی می‌کنیم.  
۷- ما توطئه‌های فرماندهان مزدور ارتش ضد خلقی، تمامی جاش‌ها و مزدوران محلی و هم‌چنین پاسداران مرتجع را محکوم کرده و آمادگی خود را جهت درهم شکستن این توطئه‌ها و دفاع از دستاوردهای خونین خلقهایمان اعلام می‌کنیم.  
۸- ما قطع مذاکرات از سوی هیئت ویژه دولت را محکوم کرده و اعلام می‌داریم که برای جلوگیری از جنگی دیگر، آغاز مذاکرات بر مبنای طرح ۲۴ ماده‌ای هیئت نمایندگی خلق

افروزان احساس همستگی عمیق مبارزاتی با زحمتکشان ایران به ویژه خلق قهرمان ترکمن و مردم مبارز کامیاران اعلام می‌داریم.  
۱- امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران است.  
۲- جنگ در ترکمن صحرا توطئه‌ای که از پیش تدارک دیده شده است که علیه منافع زحمتکشان و به نفع تشییع منافع امپریالیسم و سرمایه داران وابسته به آن صورت می‌گیرد.  
۳- ما از مقاومت قهرمانانه زحمتکشان ترکمن صحرا در برابر جنگ افروزان قویا پشتیبانی می‌کنیم.  
۴- خواهان پایان فوری جنگ در ترکمن صحرا و بازگشت کلیه نیروهای سرکوبگر ارتش و پاسداران به محل اولیه خود هستیم.  
۵- خواهان آزادی بدون قید و شرط همه زحمتکشان، که

ارتش ضد خلقی و مرتجعین در جناح پاسداران به خصوص مدتی است که به سازمان دادن مرتجعین فتوادل‌ها و خان‌های تقویت جاش‌ها در کار جنگ افروزی و تحمیل جنگ و خونریزی به زحمتکشان خلقهای قهرمان مینهن و بویژه خلق تهران کرد و ترکمن می‌باشند. در ترکمن صحرا زمین داران و سرمایه داران زخم خورده وابسته به دربار مغور، در کردستان فتوادل‌ها و خان‌های مرتجع، نوکران و خلققه‌گوشان رژیم شاهی و همیشه جاش‌ها و متحدین توطئه‌گر محافل و باندهای جنگ افروز وابسته به امپریالیسم هستند.  
اینک که خلق قهرمان ترکمن و مردم مبارز کامیاران در مقابل این توطئه‌ها و دسیسه‌چینی‌ها قهرمانانه مقاومت می‌کنند، ما شرکت کنندگان در راهپیمائی امروز ۱ اسفند ۵۸ با نفرت از جنگ

خلق قهرمان کرد! مردم مبارز مهاباد!  
در مرحله و شرایط کنونی مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای قهرمان ایران در همه حای ایران توطئه‌ها و دسیسه‌چینی‌های امپریالیسم و سرمایه داران و زمین داران بزرگ را می‌بینیم که به منظور منحرف کردن مبارزات حق طلبانه و انقلابی زحمتکشان و خلقهای ایران تدارک دیده می‌شود.  
وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست است که با تمام توان خویش در افشای این توطئه‌ها و خنثی کردن آنها بکوشند. طبقه سرمایه دار ایران پایگاه متحد اصلی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا از تمامی امکانات مادی و معنوی جهت به اجرا درآوردن نقشه‌های ضد خلقی و حنایتکارانه‌شان بهره می‌گیرد.  
نمایندگان سیاسی آنان هم‌دست با فرماندهان مزدور

## از مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم



# این اسناد مشت محکمی است بر دهان یاوه گویان و عوامفربان

## زمینداران ترکمن صحرا کانون فرهنگی سیاسی و ستاد شوراها را سرسخت ترین دشمن خود میشناسند و سپاه پاسداران و شخص رئیس جمهور آنجا را لانه فساد نامیده اند

اعلامیه

جمعیت کردهای مقیم مرکز

### ترور ناجوانمردانه ۴ فرزند مبارز خلق ستم دیده ترکمن را به دست عوامل ضد خلقی محکوم میکنیم

چهارتن از فرزندان راستین خلق ترکمن به نام های شیرمحمد درخشنده توماج ، عبدالحکیم مختوم ، طواق محمد واحدی و حسین جرجانی در بامداد روزی که جنگ تحمیلی ترکمن صحرا آغاز شد به دست پاسداران گنبد دستگیر و بنا به نوشته مطبوعات کشور به زندان اوین در تهران منتقل شدند . چند روز بعد جسد غرقه به خون این چهار نفر که در یک توطئه خائنه به قتل رسیده بودند در راه گنبد بجنورد پیدا شد . ترور چهار فرزند مبارز خلق ترکمن ما را به یاد کشتار ۹ نفر از زندانیان سیاسی ایران در تپه های اوین به دست جلادان شاه می اندازد که امروز باید به عنوان یکی از اسناد عمده جنایت شاه جلاد در محاکمه وی مورد استفاده قرار گیرد .

خلق کرد به حکم سابقه و تجربه سالهاست به این نوع جنایات عوامل امپریالیسم و ارتجاع آشنائی دارد و اطمینان می دهیم که همچنانکه عاملین قتل آن ۹ شهید در پیشگاه خلق رسوا شدند این بار نیز حقایق در پیشگاه ملت افشا خواهد شد .

با توجه به اینکه به گفته مطبوعات کشور این چهار نفر قبلا در اختیار سپاه پاسداران بوده اند بنابراین این سپاه باید اسرار ترور ناجوانمردانه این چهار فرزند خلق ترکمن را برای تمام مردم ایران روشن سازد .

از شخص رئیس جمهوری ایران که به گفته خود خواهان برقراری حکومت قانون و نظم در کشور است ، دستگیری و مجازات عاملان این جنایت وحشیانه را خواستاریم .

جمعیت کردهای مقیم مرکز

مبارزات دهقانان ترکمن صحرا علیه زمینداران بزرگ از چند ماه قبل از قیام رو به اعتلا نهاد . این مبارزات که با رهبری انقلابیون ترکمن صحرا و کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن سازمان یافته بود از همان آغاز با تلاشها و

دسیسه های زمینداران بزرگ روبرو بود . از فردای قیام ، ستاد مرکزی شورا های دهقانان ترکمن صحرا و همه انقلابیون ترکمن صحرا با هشدارهای مکرر، خلق ترکمن را از این توطئه ها آگاه می ساختند و با افشاکری های همه جانبه

زمینداران و حامیان آنها را در ارتش ، سپاه پاسداران ، شورای انقلاب و دولت رسوا می کردند . برای اینکه نشان داده شود که چه کسانی با چه اهدافی فدائیان خلق ، فرزندان دلاور خلق ترکمن ، توماج ، مختوم ، جرجانی و

واحدی را به شهادت رساندند برای آنکه دریابیم آنها در ترکمن صحرا چه می کردند اطلاعاتی های ستاد مرکزی شوراها و کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن را مرور می کنیم .

### از "قطعنامه اجتماع ضد امپریالیستی یکشنبه گنبد"

در مرحله کنونی امپریالیسم امریکا دشمن اصلی خلق قهرمان ماست و تمام کوشش انقلابیون و نیروهای مترقی باید در جهت یکپارچگی و تشکل نیروهای ضد امپریالیست و توده ها و متوجه کردن هر چه بیشتر آن به سوی امپریالیسم امریکا قرار گیرد . ما هرگونه کوشش برای منحرف کردن جهت اصلی مبارزه مردم و کشاندن آن به اختلافات درونی و به مسیرهای انحرافی را محکوم می کنیم .

برای مبارزه های واقعی با امپریالیسم امریکا و برای قطع کامل نفوذ آن از کشورمان باید با منافع امپریالیسم در تمام زمینه ها به مبارزه های پیگیر

پرداخته و بدون کوچک ترین تردید جهت لغو و افشای کلیه قراردادهای قطع وابستگی اسارت بار اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی به آن اقدام کرد .

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن ۵۸/۹/۴

### سفتی از "پیام خلق ترکمن به خلق قهرمان و مبارز ایران"

مقاومت سازند . آنان تبلیغ می کنند زمین ها بدون کشت مانده است ، آنان تبلیغ می کنند که کشت روی اصول صحیح انجام نمی پذیرد و به هرحال به صور مختلف می خواهند غصب زمین های زحمتکش را برحق جلوه دهند . ما می گوئیم آیا تا کنون این غاصبین و فرزندان آنها که همه در خارج از کشور به خوشگذرانی و عیاشی مشغول بوده اند ، زمین ها را می کاشتند یا دهقانان و زحمتکش روستاها و کارگران کشاورز ؟ ما می گوئیم کدام مرجع باید ضحیح و اصولی بودن کشت را تشخیص دهد ، آیا نمایندگان اداره ترویج که ناظر بر کشت بوده اند یا کمیسیون پنچ نفری اعزامی از طرف دولت که در منطقه بر

مردم مبارز ایران ! روی سخنان با شماست . هم اکنون در شرایطی خلق متحد و یکپارچه ایران علیه امپریالیسم جهانخوار امریکا بیخاسته است . زمانی که روستائیان و زحمتکشان ترکمن صحرا تحت نظارت و مدیریت شورا های مردمی خویش با جدیت و کوشش به کشت زمین های باز پس گرفته شده خود پرداخته اند و می خواهند با کشتی صحیح و اصولی آنچنان افزایشی در تولید گندم کشورمان ایجاد کنند که مشت محکم بر دهان یاوه گویان غاص بکوبند . آنها می خواهند با این قبیل حرکات خود مردم ترکمن صحرا را به جنگی تحمیلی کشانند و از جانب دیگر دولت را به سرکوب خلق ترکمن

امور نظارت دارد ؟ آیا نمایندگان امام که برای سرکشی به امور کشاورزی به منطقه آمدند هیچچیز صلاحیت ندارند ؟ آیا نمایندگان مجتمع کشاورزی منطقه گنبد فاق صلاحیت اند ؟ پس چه کسانی حق اظهار نظر دارند ، فقط نمایندگان غاصبین و زمینداران ؟ ما به آگاهی همه مردم و مسئولان می رسانیم که واقعیات روشن تر از آنند که عده های مغرض که به دنبال منافع ناشروع خویشند آنها را کتمان نمایند و هشدار می دهیم که غاصبین و زمینداران در صدد جنگا فروزی در منطقه هستند . آنان با نا امن جلوه دادن منطقه سعی می کنند که زمینه های برای سرکوب خواست های به حق

خلق ترکمن فراهم سازند و در این میان از آب گل آلود ماهی بگیرند . ما اعلام می داریم که امنیت منطقه تنها و تنها موقعی برقرار خواهد شد که قاطعانه دست عناصر ضد مردمی زمینداران و غاصبین و وابستگان به رژیم گذشته از زندگی زحمتکش کوتاه گردیده و دسیسه چینی های آنان سریعاً خنثی گردد . اعلام می داریم که در مقابل توطئه های غاصبین و زمینداران بزرگ و تلاش های مذبوحانه آنان ، خلق ترکمن یکصدا و یکپارچه آماده برای دفاع قاطع از حقوق پایمال شده خویش است و خواستهای قانونی و به حق خویش را جزئی از انقلاب ایران دانسته و مصرا و به هر قیمت بر آنها تاکید خواهد داشت .

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن - ستاد مرکزی شورا های ترکمن صحرا " ۵۸/۹/۲۵

### از "قطعنامه راهپیمائی ضد امپریالیستی ۱۵ دیماه بندر ترکمن"

ما خواهان ادامه افشاکری دانشجویان مبارز مستقبردر لانه جاسوسی امریکا هستیم و اعتقاد داریم که افشاکری نیروهای انقلابی و ضد

امپریالیست در جهت خدمت به منافع خلق می باشد . در این شرایط حساس که امپریالیسم امریکا می کوشد از طرق مختلف به مبارزات حق

طلبانه مردم دلاورمان ضربه وارد آورد ، گسترش همکاری و وحدت تمامی نیروهای واقعا ضد امپریالیست ضرورت تازه ای می یابد . لذا هرگونه توطئه و

سنگ اندازی در جهت تضعیف صف خلق را محکوم نموده و آن را خدمت به منافع امپریالیسم می دانیم .

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

# ده روز در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی در گنبد (قسمت دوم)

گزارشی که دومین قسمت آن را می خوانید، یادداشت های یکی از هواداران سازمان است، که در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی بود و ما عین یادداشت ها را تماما به چاپ می رسانیم.

گفت  
همین راهپیمایی که گذاشتند  
غیرقانونی است. ما دیروز  
اعلامیه دادیم که این  
راهپیمایی غیرقانونی است  
ولی آنها توجه نکردند  
گفتم  
اولا شما عامل اجرائی  
هستید و وظیفه شما نیست  
که در مورد قانونی بودن یا  
نبودن چیزی تصمیم بگیرید  
وزارت کشور و فرمانداری  
باید تصمیم بگیرند که آنها  
هم اجازه داده بودند. در  
ثانی اعلامیه شما را من  
دیشب دیدم برعکس آنچه  
که می گوئید نگفته بود.  
راهپیمایی غیرقانونی است.  
نوشته بود ما راهپیمایی را به  
خون می کشیم کاملا تحریک  
آمیز بود و برخلاف ادعای  
شما مردم را به درگیری  
علیه یکدیگر...  
که یکباره وضع به هم ریخت.  
پاسداران به جنب و جوش  
افتادند. در به سرعت باز شد و  
او را صدا زدند. او رفت و در  
پشت ترش قفل شد.  
ساعت حدود یازده بود.  
آزیر حطر به صدا درآمد.  
پاسداران از خوابگاه بیرون  
ریختند. عده ای با عجله  
کلاه های پشمی را از سر  
برمی داشتند و کلاه خودهای  
جنگی به سر می گذاشتند.  
پاسداران با هراس پشت  
سنگرها پریدند و مسلسل ها  
را به دست گرفتند. قلبم به  
شدت می زد. آنچه نباید  
اتفاق بیافتد اتفاق افتاده  
بود. یاد بچه های کوچکی  
افتادم که دیروز از شان  
عکس می انداختم و آنها با  
چشمهای مشکلی ترکمنی به من  
می خندیدند.  
اطاق من در وسط  
ساختمان کنار انبار مهمات  
قرار داشت. دو طرف اطاق  
پنجره های بزرگی بود که هم  
حیات و درهای ورودی سپاه و  
هم حیات پشتی یعنی قسمت  
پارکینگ به خوبی دیده می شد  
ماشین های حیپ پشت باز  
به حرکت درآمدند. به روی در  
یک مسلسل سنگین کنار  
گذاشته شد. فریاد "میریور"  
"میریور" در فضای ساختمان  
طنین انداخت.  
"میریور" پاسدار بود و از  
اطاق مهمات نگهداری می کرد  
پاسداران به طرف او هجوم  
آورده بودند.

پشت پنجره ایستاده بودم  
و با کنجکاو نگاه می کردم.  
پاسداران خشک و نازک و  
نارنجک و فشنگ می خواستند.  
با عجله فشنگ را از انبار  
بیرون می بردند و داخل  
ماشین های آهو می گذاشتند.  
به فاصله کوتاهی دهها  
پاسدار در کنار دیوارهای ستاد  
سنگر گرفته بودند و بقیه همراه  
با فرمانده از ستاد خارج  
شدند. من تمام تن گوش شده  
بودم. آیا واقعا راهپیمایی را  
به خون می کشند؟  
طولی نکشید که در باز شد  
پاسداری با لباس پوست  
پلنگی وارد اطاق شد. قد  
کوتاهی داشت. دوزنارنجک به  
کمر بسته بود و کلاشینکفی به  
دست داشت و کلت بزرگی را  
کجکی به کمر خود آویزان  
کرده بود. نگاهی به من کرد و  
در گوشه اطاق ایستاد. پشت سر  
او سه نفر ترکمن را با چشم های  
بسته به اطاق آوردند. پاسدار  
پوست پلنگی در را بست.  
کلاشینکف را به طرف ترکمن ها  
گرفت و فریاد زد:  
تفنگ آورده بودید جنگ راه  
بیاندازید. هان؟ پدترتان را  
در می آورم. اگر تکمان  
بخورید مغزتان را داغون  
می کنم.  
نگاه دیگری به من کرد و از در  
خارج شد.  
ترکمن ها که تا آن موقع خیلی  
گرفته به نظر می رسیدند  
خندیدند و به هم چشمیک  
زدند. کلاه های پوستی بر سر  
داشتند. از قیافه شان معلوم  
بود دهقان هستند. ۵۰ - ۶۰  
ساله به نظر می رسیدند. یکی از  
آنها جوان تر بود و کمی فارسی  
می دانست. وقتی پاسدار رفت  
روبه من کرد و گفت:  
آقا پاسدار، بخدا دروغ  
می گویم. تفنگ کجا بود، از ده  
آمدیم. به ما گفتند  
راهپیمایی به هم حورده  
است. برگردید بروید  
سماجت کردیم و گفتیم توی  
شهر کار داریم، می خواهیم  
چیز بخیریم، عصبانی شدن  
ما رو آوردن اینجا.  
من خندیدم و گفتم:  
بابا من پاسدار نیستم.

منهم مثل شما زندانی  
هستم.  
آهسته و بانگرانی از من  
پرسید.  
پدائی هستی؟  
گفتم نه، هوادار هستم.  
یکی از آنها چندبار تکرار  
کرد. هوادار، هوادار، و با هم  
خندیدند. اصلا فارسی  
بلد نبودند. پرسیدم:  
راهپیمایی به هم خورد؟  
گوئی فقط کلمه راهپیمایی را  
شنیده بود. گفتم:  
با داش یوجور ماخ  
و با دست نشان داد. فهمیدم  
به راهپیمایی حمله شده است.  
هنوز صدای تیراندازی  
نمی آمد. نزدیک های غروب آن  
سه نفر را از اطاق خارج کردند  
دیگر آنها را ندیدم.  
ساعت حدود ۱۱ شب بود  
که در ستاد باز شد و ماشین های  
مینی بوس پراز پاسدار مسلح با  
کلاه های جنگی وارد محوطه  
شدند. روی یکی از ماشین ها  
نوشته بود. آمل یکی ساری  
یکی به شهر، گرگان، شاهی  
شاهرو، نوشهرو... خلاصه  
تا صبح بیش از ۸ مینی بوس وارد  
شد.  
تا صبح خوابیده بودم. کارم  
شمارش پاسداران بود. دو  
چهار، هشت، بیست و دو،  
پنجاه و هشت، یکصد و... و  
برق سلاخ هایشان. در میان  
سلاخ هایی که به دوش داشتند  
بیش از همه نارنجک انداز به  
چشم می خورد. بطوری که  
می شد گفت از هر ۵ پاسدار  
یک نفر نارنجک انداز حمل  
می کرد. روی چند ماشین  
پشت باز که ته آن پراز حبه های  
فشنگ بود. خمپاره انداز،  
و مسلسل های کالیبر ۵ نصب  
شده بود.  
تاریک و روشن های صبح شب  
فرمانده سپاه گنبد، همان کسی که  
با من صحبت کرده بود، در حیات  
پارکینگ پاسداران را به صف  
کرد و برایشان شروع به  
سخنرانی کرد. من پشت پنجره  
بودم و حرف هایش را می شنیدم.  
بیش از یک ساعت صحبت کرد.  
باید از تهران دستور برسد  
دیشب با ابو شریف تماس

گرفته ایم. قرار است امروز  
کسب دستور کنیم.  
ناگهان از میان پاسداران  
همه به رخاست. نیمی از  
پاسداران زبان به اعتراض  
گشودند.  
تاکی می خواهید در مقابل  
آنها سکوت کنید؟ بایسد  
نابود شان کنیم. بایسد  
بساطشان را جمع کنیم. باید  
ستادشان را با خاک یکسان  
کنیم.  
یک پاسدار در حالی که سه  
نارنجک انداز روی دستش شماره  
می کرد فریاد زد:  
فقط اجازه بده. بقیه ما خود ما  
صحت به هم خورد. همه  
شلوغ می کردند. عده زیادی  
ساکت بودند و بی تفاوت به اینها  
نگاه می کردند. فرمانده فریاد  
زد:  
ساکت برادران.  
همه ساکت شدند. فرمانده  
گفت:  
اگر سوالی دارید، بکنید  
صداها در هم بود و من سوال ها  
را نشنیدم.  
تکبیر فرستادند و به طرف  
ماشین ها رفتند. پشت  
ماشین های روبرو سوار شدند  
و به طرف در ورودی حرکت  
کردند. دوباره تکبیر فرستادند  
و دسته جمعی فریاد بر آوردند:  
- امروز به طرف پیشست  
می رویم. فدائی ها در  
پشت را برای ما باز می کنند.  
آنها رفته بودند. اما صدا  
همچنان ادامه داشت. دیگر  
همه چیر بر ایم روشن شده بود.  
با آرایشی که اینها برای خود  
گرفته بودند، جنگ حتمی بود.  
از نگهبانی که  
مرا به دستشویی می برد  
پرسیدم:  
- برادر، آیا فکر می کنی  
امروز جنگ می شود؟  
گفت:  
- نمی دانم. باید دیوانه  
باشد که چنین کاری بکنند.  
گفتم:  
- ولی اینها...  
شانه هایش را بالا انداخت:  
- زیاد مهم نیست. نگران  
نباش اتفاق نمی افتد.  
ساعت ۱۰ صبح بود،  
دوباره ستاد شلوغ شد.

پاسدارها به این طرف و آن  
طرف می دویدند. یکی می گفت  
"دستور آمد، می جنگیم"  
دیگری می گفت:  
"امروز فدائی کشونه. کانون  
شوراها را به آتش می کشیم،  
داغوشون می کنیم"  
یکی از پاسدارها داد زد:  
"دروغ می گن. هنوز دستور  
نرسیده"  
یکی با عصانیت گفت:  
"گند شود آوزدن، یعنی چه؟  
اینجا دارن برادران مارو  
می کشن، کسی عین خیالش  
نیست"  
یکی از پاسداران حلو آمد و  
گفت:  
"سه برادر، اینقدر زرزرنکن  
خزاد روغ میگی؟ اوناتا حالا  
یک تیرهم شلیک نکردن"  
اولی  
"آه، پس اون نارنجک رو  
کی انداخت؟"  
دومی  
"خودت که بهتر میدونی"  
اولی  
"سپار خوب پس سو از  
اوناتشینی می کنی"  
دومی  
"نه برادر من مسلمونم  
مسلمون که دروغ میگو"  
کار این دو پاسدار به برخورد  
کشید. عده ای خود را فاطمی  
کردند. بعضی ها به هواداری از  
این و بعضی ها به هواداری از آن.  
بحث در گرفت و بالاخره  
فرمانده دخالت کرد و قصیه را  
فیصله داد. دوباره سکوت  
برقرار شد. اما این بار زیاد  
طول نکشید. حدود ساعت ۱۲  
بود که یک بار دیگر نظم  
پاسداران به هم ریخت.  
- دستور - دستور آمده.  
می جنگیم. نایود شان  
می کنیم.  
این بار دیگر مسئله جدی شده  
بود. صدای میریور، میریور  
(همان نگهبان مهمات خانه  
کنار من) دوباره توی سالن  
طنین انداخت. عده ای  
پاسدار جدید از شهرهای  
مختلف رسیده بودند.  
ساعت ۱/۵ بعد از ظهر بود.  
صدای رگبار مسلسل ها و  
نارنجک اندازها به گوش رسید.  
پاسداران ذخیره ستاد ایستاده  
بودند و به صدای رگبار گوش  
می دادند. بعضی ها خوشحال  
بودند و بعضی ها با عصانیت  
راه می رفتند و زیر لب فحش  
می دادند.  
ادامه دارد





# سه ناکتیک برخورد با خرده بورژوازی

● آیا تنها نیروهای وابسته به امپریالیسم هستند که سرکوب گردند. مگر در اوج درگیری رژیم "ناصر" کمونیست های مصری دسته دسته به جوخه اعدام سپرده نمی شدند؟

● حزب توده با مطلق کردن خصلت ضد امپریالیستی خرده بورژوازی و نادیده گرفتن جنبه های وابسته گرایانه آن، عملاً طبقه کارگر را به دنباله روی از خرده بورژوازی ترغیب می کند.

درگیری رژیم ناصر در مصر با امپریالیسم، کمونیست های مصری دسته دسته به جوخه اعدام سپرده نمی شدند؟ سازمان پیگاری نیز، نظیر گروه اشرف دهقانی، نفسی خصلت ضد امپریالیستی خرده بورژوازی (مرفه) سنتی را از غیرد مکراتیک بودن آن استنتاج می کند.

"یک نیروی ضد مکراتیک، لزوماً ضد امپریالیست نیست و متقابلاً نیرویی که ضد امپریالیست نیست، خصوصیات د مکراتیک نیز نمی تواند داشته باشد. به همین جهت است که امروزه بخش خرده بورژوازی مرفه سنتی هیئت حاکمه، به علت قرار گرفتن در صف ضد انقلاب و خصوصیات شدید ضد مکراتیک آن فاقد هرگونه خصلت ضد امپریالیستی (حتی بطور باهیکیر) است.

این نظریه نه تنها با مبانی تحلیل مارکسیستی دولت در تضاد است، بلکه با تحریکات تاریخی در مورد رژیم های ضد امپریالیست، خوانائی ندارد. کافی است که عملکرد رژیم های ضد امپریالیست در مصر (ناصر) عراق (قاسم)، سوریه، لیبی، اتیوپی و غیره مورد بررسی قرار گیرد. سیاست های سرکوبگرانه این رژیم ها بطلان چنین نظریه های را نشان می دهد.

طبیعی است که به جز پرولتاریا هیچ نیروی اجتماعی دیگری قادر به سرنگون کردن قطعی سرمایه داری وابسته و نابودی سلطه امپریالیسم نیست. تمامی تحریکات تاریخی بر این امر گواهی می دهد که، برخلاف توهمات رویزونیستی، خرده بورژوازی در قدرت سرانجام مجبور است که در زیر فشار واقعات سخت زمینی از اتوپیهای وابسته گرایانه خود دست بردارد. یادرو موضع ابوزیسیون رهبری پرولتاریا را بپذیرد و با با سرکوب جنبش کارگری در خدمت راه رشد سرمایه داری وابسته قرار گیرد. آثارشست ها تصور می کنند که با "پاک فراموش کرده ایم" که

"بالاخره و دست آخر، چرخ های اقتصاد مملکت به عنوان یک سیستم در جهت منافع کدام طبقه به گردش درمی آید و آیا قدرت سیاسی، اقتصاد وابسته به امپریالیسم را تقویت می کند و یا در مقابل چنین گردشی ایستادگی می نماید. یعنی آنکس بالاخره قدرت سیاسی در دست چه طبقه یا قشری است؟

(همانجا صفحه ۱۴)  
چنین تحلیلی با درهم آمیزی راستای تاریخی یک حرکت و این که سرانجام یک رژیم خرده بورژوازی (اگر دولت پرولتاریائی حای آن را نگیرد) مجبور است در خدمت بازسازی سرمایه داری وابسته قرار گیرد، با تحلیل مشخص از تلاشها و حرکات کنونی این رژیم به نتایج انحرافی و چپ روانه ای منجر می گردد. مثلاً در مصر پروسه تبدیل رژیم ناصر به رژیم وابسته سادات یک دوران طولانی ۱۸ ساله را طی نمود. و رژیم ناصر "بالاخره و دست آخر" به رژیم وابسته سادات تبدیل شد ولی در عین حال یک سان دانستن این دو رژیم مگر ناشی از عوام فریبی نباشد، ناشی از بی اطلاعی کامل از ابتدائی ترین بدیهیات است. چرا که رژیم ناصری دورانی از مبارزه ضد امپریالیستی در مصر را رهبری نمود که نتایج آن از مرزهای مصر فراتر رفت و سراسر جهان عرب و شمال آفریقا را تحت تاثیر قرارداد. البته در ایران به علت رشد عمیق سرمایه داری وابسته تصادی که امروز بین زیربنای جامعه و روینای سیاسی آن وجود دارد. می بایست بسیار سریعتر از کشورهای نظیر مصر حل شود و تنها پرولتاریا است که می تواند با سرنگون ساختن سرمایه داری وابسته و نابود کردن سلطه امپریالیسم استقلال و آزادی واقعی و حق تعیین سرنوشت را برای ملت های تحت ستم تحقق بخشد و زمینه را برای گذار به سوسیالیسم آماده نماید. اما این مسئله که تحقق آن در یک بعد تاریخی مطرح است، هیچگونه تضادی با این واقعیت که امروز یک جناح از حاکمیت دارای تمایلات ضد امپریالیستی است، ندارد.

می خواهند که چشم خود را ببندند. در مقابل اپورتونیسیم راست، طیف وسیعی از گروه ها و جریانات سیاسی قرار دارند که بانفی خصلت ضد امپریالیستی خرده بورژوازی و عدم درک ماهیت دوگانه آن از یک سو و ارزیابی غلط از جناح های درونی دستگاه حاکمه از سوی دیگر و بر متن انحرافات عمیق بینشی، با اتخاذ مواضع چپ روانه و انحرافی به جنبش کمونیستی آسیب های جدی وارد می کنند. تروتسکیست های رسمی و شرمگین پرولتاریا را به عنوان پیگیرترین دشمن امپریالیسم، بلکه به عنوان تنها طبقه ای که دارای ماهیت ضد امپریالیستی است قلمداد کرده و بانفی خصلت ضد امپریالیستی خرده بورژوازی تلاش دارند پرولتاریا را نه تنها از متحدین خود در این مرحله جنبش محروم کنند بلکه می کوشند تحت پوشش مبارزه با "ارتجاع"، به مثابه وظیفه عمده کمونیست ها پرولتاریای پیشرو را قبل از هر چیز به مبارزه با متحدین پرولتاریا بکشانند. علاوه بر آن برخی جریانات مدعی مارکسیسم-لنینیسم نیز در تفسیر پیچیدگی های مبارزه اجتماعی کنونی به انواع نظریات غیر مارکسیستی متوسل می شوند که تنها توجه کننده تمایلات طبقاتی آنهاست. برخی از اینان در لحظه فعلی که سازمان ما به منظور منفرد ساختن بورژوازی لیبرال آن را زیر ضربات افشاکری های خود قراردادده است، در نقش مدافعین بورژوازی لیبرال ظاهر گشته اند که نقد هر یک از این جریانات به دلیل تنوع آن نیازمند فرصتی دیگر است.

از جمله برجسته ترین نمونه اپورتونیسیم "چپ" گروه آثارشستی اشرف دهقانی است. دیدگاه پوپولیستی و "تمام خلقی" این گروه مانع از آن است که بتواند از مبارزات اجتماعی خرده بورژوازی ارزیابی درستی ارائه نماید. آثارشسیم ناپخته و ناهنجار این گروه، خرده بورژوازی را آنچنان درهاله تقدس پیچیده است که گویا هرگز دست به سرکوب اقشار دیگر خلق نخواهد زد، که گویا دارای تمایلات ضد کارگری نیست که گویا هرگز با کمونیست ها مبارزه نخواهد کرد. اینان با نادیده گرفتن تجربیات گرانبهای جنبش کمونیستی بین المللی عملاً خط فاصل بین پرولتاریا و خرده بورژوازی را مخدوش می کنند. از نظر اینان تنها نیروهای وابسته به امپریالیسم دست به کشتار و سرکوب می زند و تمامی نیروهای ضد امپریالیست منزه از این آلودگی هستند. این دیدگاه ساده انگارانه پوپولیستی تصور می کند که خرده بورژوازی با تفکر تنگ نظرانه و شوینیستی به میل خود حاضر به رسمیت شناختن حق خود مختاری خلق ها خواهد بود، که از پرولتاریا و منافع وی دفاع خواهد کرد. که قادر است دمکراسی واقعی در جامعه را تحقق بخشد. این دوری از مارکسیسم-لنینیسم و آشفتگی فکری در تفسیر حرکات دستگاه حاکمه به بهترین وجه در این سؤال به چشم می خورد:

"اگر این خرده بورژوازی ضد امپریالیست است و روحانیت تنها بر اساس تاثیرات متقابل حرکات ضد امپریالیستی خرده بورژوازی"، "به حرکات و تبلیغات ضد امپریالیستی" دست می زند. پس چگونه خلق های ایران و منجمله خلق کرد را سرکوب می کند؟ منافع یک نیروی ضد امپریالیست چگونه در سرکوبی خلق تامین می شود؟ (حزوه) کسانی که مورد خطاب کمیته مرکزی خائن حزب توده قرار گرفته اند، چریک های فدائی خلق نیستند." (ص ۱۴)

چنین تفکر کودکانه ای هرگز قادر نیست بین سیاست پرولتاریا و خرده بورژوازی تمایزی قائل شود. به راستی به کج پرولتاریا کدام قشر یا طبقه اجتماعی قادر به تحقق واقعی حق خود مختاری ملت های تحت ستم است؟ بر اساس کدام تجربه تاریخی و تئوری مارکسیستی لنینیستی می توان انتظار داشت که در شرایط کنونی عصر ما و جامعه ما این حق نامیین گردد؟ آیا تنها نیروهای وابسته به امپریالیسم هستند که به عطیات سرکوبگرانه دست می رسند؟ مگر در اوج

شناخت ماهیت خرده بورژوازی سنتی امروز به یکی از معضلات جنبش و گره برخورد به دستگاه حاکمه تبدیل شده و عدم درک ماهیت دوگانه خرده بورژوازی موجب بروز موضع گیری های "چپ" و راست در رابطه با حاکمیت موجود گردیده است. اپورتونیسیم راست با مطلق کردن خصلت ضد امپریالیستی خرده بورژوازی و نادیده گرفتن جنبه های وابسته گرایانه، ضد مکراتیک و ضد کمونیستی آن عملاً طبقه کارگر را به دنباله روی از خرده بورژوازی ترغیب نموده و جنبش این طبقه را در مقابل تهاجم بورژوازی لیبرال خلع سلاح می نماید و بدینسان آب به آسیاب امپریالیسم می ریزد. اپورتونیسیم "چپ" با نادیده گرفتن جنبه ضد امپریالیستی و مطلق کردن جنبه های ضد مکراتیک و وابسته گرایانه آن، حرکات ضد امپریالیستی این قشر را تخطئه نموده و مبارزات اجتماعی آن را به "توطئه" و "دسیسه" تنزل می دهد.

اپورتونیسیم راست عمدتاً می کوشد حمایت بدون قید و شرط خود را از حاکمیت در خدمت "راه رشد غیر سرمایه داری" به کارگیرد. این جریان در آخرین تحلیل به سازش طبقاتی و واگذاری طبقه کارگر به دنباله روی از خرده بورژوازی و در نهایت به خدمت به بورژوازی لیبرال می رسد.

در مورد "حزب توده" که برجسته ترین نمونه اپورتونیسیم راست به شمار می آید، مسئله اشتباه تئوریک مطرح نیست. موضع گیری حزب توده بیش از هر چیز نشان دهنده مشی اپورتونستی این جریان و ماهیت طبقاتی آن است. "حزب توده" با سرپوش گذاشتن بر ناتوانی تاریخی خرده بورژوازی در به سرانجام رسانیدن مبارزه ضد امپریالیستی و نادیده گرفتن جنبه وابسته گرایانه و سیاست های ضد مکراتیک آن و با تفکیک مکانیکی مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه د مکراتیک، مودیانه می کوشد از تشکیل صف مستقل پرولتاریا جلوگیری کرده و طبقه کارگر را از رهبری جنبش ضد امپریالیستی - د مکراتیک ایزان بازدارد. برخلاف "حزب توده" مارکسیست-لنینیست ها بر آنند که تاثیر اقدامات ضد امپریالیستی آن جناح از روحانیت، که در مجموع اهداف و آمال خرده بورژوازی سنتی را نمایندگی می کند، بدون نشان دادن ناپیگیری این اقدامات، بدون توضیح ماهیت ضد کمونیستی و سیاست های ضد مکراتیک این جناح، نه تنها به پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی بیاری نمی رسانند، بلکه در تحلیل نهائی تلاش در جهت جلوگیری از صف مستقل پرولتاریا و شکست استراتژیک جنبش خلق به شمار می رود.

اما "حزب توده" می کوشد تا سیاست دفاع بدون قید و شرط از خرده بورژوازی را به جنبش کمونیستی تحمیل نماید. "حزب توده"، "شگفت زده" می شود که چگونه سازمان ما در قطعه نامه ۴ آذرماه، درست پس از تأیید اقدامات ضد امپریالیستی یک جناح از روحانیت به افشاکری در مورد چهره دیگر این جناح پرداخته است.

"شگفت آور است، ولی چریک های فدائی، درست پس از تأیید اقدامات ضد امپریالیستی روحانیت مبارز و در رأس آن آیت الله خمینی و درست پس از اعلام پشتیبانی از آن در برابر دشمن مشترک... "تلاش های مرتجعانه آنان را در زمینه های مختلف منجمله مخدوش کردن چهره نیروهای انقلابی مدافع طبقه کارگر و زحمتکشان محکوم" می کند! (مردم شماره ۱۰۴، صفحه ۵)

"حزب توده" با وقاحتی نفرت انگیز سؤال می کند: "کدام تمایلات مرتجعانه حاکمیت؟" (همانجا).

این سؤال تنها می تواند از جانب کسانی مطرح شود که نه تنها به مارکسیسم-لنینیسم و آرمان پرولتاریا خیانت کرده و می کنند، بلکه چشم خود را بر بدیهی ترین واقعیات زندم های که در مقابل ما جریان دارد، نیز بستند و از انقلابیون کمونیست نیز عاجزان

# بر خورد قاطع شورای انقلابی کارخانه «ایرفو» با شورای انقلاب اسلامی ایران تجلی قاطعیت طبقه کارگر در مبارزه با طبقه سرمایه دار (مست اول)

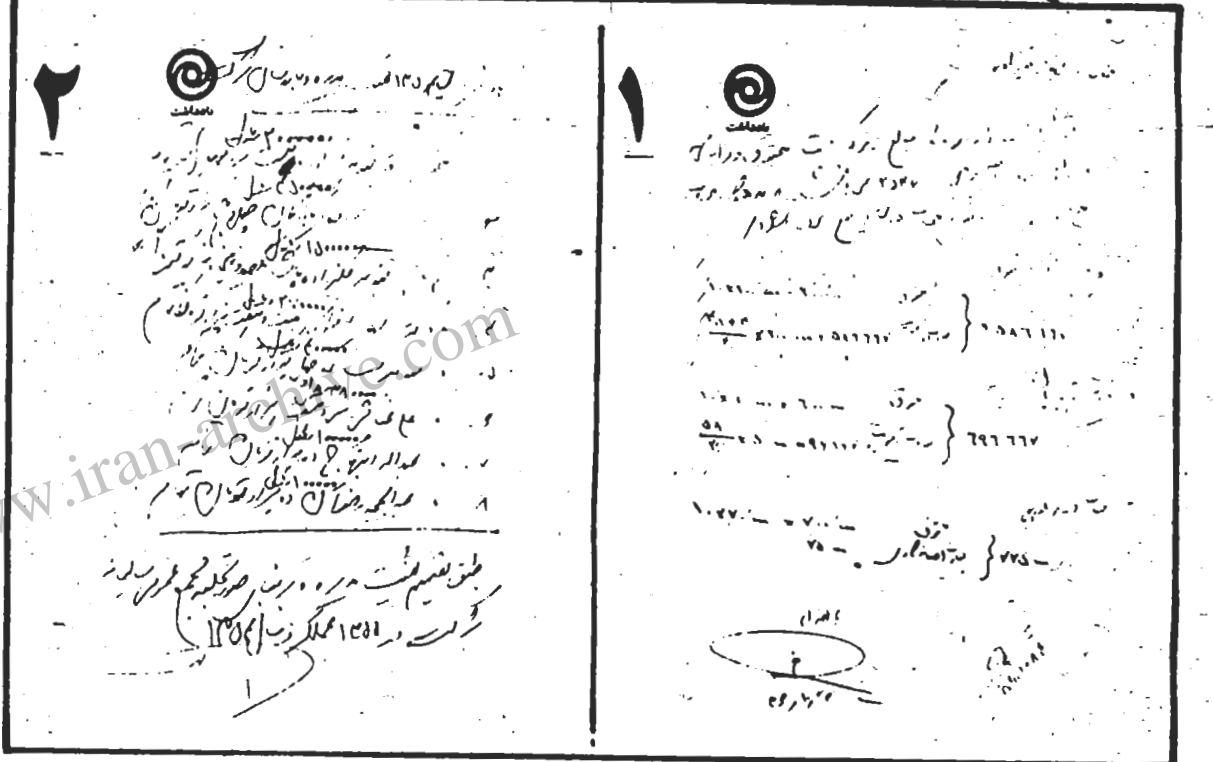
کارخانه ایرفو در جاده ساوه به آقای بازرگان و دوستان او علق دارد. هیئت مدیره و بازرگان این شرکت را در سال ۵۴ مهندسین سالور بازرگان، قلیزاده، مهندس سلطه، دکتر مهدی منظوری، علی غیاثی، عبدالله شاهج و عبدالمحمد رضوی تشکیل می دادند. این آقایان در حالیکه حتی حق اولاد هم مسک را به کارگران نپرداخت می کردند و حقوق اندک آنان را نیز به

دستگیری به وسیله ساواک را ندیدند. با وجود این به علت نفوذی که سهام داران شرکت در دستگاه های دولتی از جمله ساواک داشتند، خلوی حرکت کارگران را با تهدید می گرفتند. مثلا آقای مهندس ساعد که مدیر اداری شرکت بود، در وزارت کار نیز دست حساسی داشت. پس از پیام کارگران طی نامه ای از مدیر عامل شرکت، مهندس قلیزاده (قلی یاسا)

حالی که کارگران زیر فشار زندگی بودند، آقای قلیزاده می گفت: «با حقوق یک ماهه، دو ماه بسارید...» کارگران پس از پشت هم - اندازی کار فرما و شورای فرمایشی، روز ۱۲ آذر سرای گرفتن حقوق خود دست از کار کشیدند. فردای آن روز اخراج یکی از کارگران مبارز، اعتصاب را به تمام کارخانه گسترش داد. آنها خواست های خود را در ۷ ماده تنظیم و پیسار

شورا موافقت نمود و شورای منتخب کارگران تشکیل شد. تصمیم گرفته شد که فردای آنروز نماینده شورا و مامور کمیته به وزارت کار رفته خواست های کارگران را بگیرد و از آنجا که شورای انقلاب، وزارت کار و کمیته ها، جانب بازرگان و شرکا را گرفتند، شورا از مراجع بهی حاصل خود به این مراجع به این نتیجه رسید که اداره کارخانه را خود به دست گیرد. شورای کارخانه با ابلاغ دستورات جدید به تمام قسمت ها، خود را تنها مرجع صلاحیت دار در کنترل تولید، فروش محصولات، نظارت بر امور حسابداری، اداری و حفاظتی اعلام نمود و کارکنان بخش نگهبانی که از دستورات سرپیچی کرده بودند، تعویض نموده و بجای آنان دو کارگر را نگهبان کرد. شورا به یکی از خیر چینیان کار فرما که بیکار می گشت، پول می گرفت و خیر چینی می کرد. دستور داد خود را به بخش انبار معرفی کند. حسابرسی در انبار مشکل بود. خیر چینی مزبور که از بدبوش امر شورا سر باز زده بود، با دستبازی ۸ نفر از عوامل کار فرما در کاخانه علیه شورا طومار جمع کرده و به کمیته ارسال نمود.

نگیرند. کارگران به شورا اختیار دادند حقوق عقبت مانده آنها را برای خرید مواد اولیه به صاحب کارگاه بر سر پرداخت کند. مدیر عامل پس از شکست این توطئه، پول شورا را در بانک مسدود کرد. شورا ۲ میلیون تومان فروش خود را طی دو هفته به حساب شرکت تعاونی به بانک واریز کرده بود. رئیس بانک قول داده بود که شورا هر وقت خواست می تواند از طریق رئیس شرکت تعاونی برداشت کند. ولی رئیس بانک دز همدستی کار مدیر عامل موجودی شورا در بانک را مسدود کرد. کارگران در مقابل این توطئه به شورای انقلاب و وزارت کار شکایت می کنند. شورای کارخانه برنامه خود به شورای انقلاب اعلام کرد. کارگران علیه هم وضع مالی بدی کردند. حتی اگر لازم نبود که حقوق خویش را دریافت نکنند، به مبارزات خود ادامه داده پول خویش را آزاد خواست های خود را خواهند گرفت.



موقع نمی دادند حقوق و مزایای کلانی را به خود اختصاص می دادند. اسناد و ۲ این مطلب را به روشنی بیان می کند. طبق سند شماره ۱ که در تاریخ دی ماه ۱۳۵۶ صادر شده است، به سه نفر از مدیران شرکت بابت حقوق و مزایای ده ماه شان مبلغی در حدود ۱/۷۲۳۳/۰۰۰ تومان داده شده است. سند شماره ۲ نمونه دیگری است. به موجب سند تنظیمی زیر که بر حینای تصمیم هیئت مدیره شرکت در سال ۱۳۵۵ صادر شده است، افراد بالا بابت فقط پاداش سال ۵۴ در حدود ۲۸۰/۰۰۰ تومان به خود تخصیص داده اند. و این در حالی بود که کارگران برای دریافت حقوق خود مجبور بودند خط

خواستار اخراج ساعد شدند. پس از اینکه مدیر عامل اقدام می نکرد، کارگران خود اقدام کرده ساعد را از کارخانه بیرون کردند. پس از نخست وزیر شدن بازرگان قلیزاده از طرف نخست وزیر به مدیریت عامل کشت و صنعت کارون منصوب شد و برای کنترل شرکت ایرفو، از طریق عوامل خیر چینی خود، شورای فرمایشی کارخانه را برپا کرد. قلیزاده به کمک سه نفر از عوامل خود در شورا موفق شد که دو عضو فعال شورا را که به نفع کارگران اقدام می کردند، بنام کمونیست از کارخانه اخراج کند. در این فاصله قلیزاده به بهانه اینکه شرکت وضع مالی خوبی ندارد، از پرداخت حقوق و مزایای شغلی به کارگران خودداری می کند و در

ارسال به شورای انقلاب، و در کار و کمیته شماره ۱۲ ریاست در کمیته متحصص شد. خواست های کارگران چنین بود: ۱- پرداخت حقوق به موقع ۲- پرداخت سود ویژه ۳- دادن حقوق اولاد و مسکن از زمان تصویب قانونی تا عید گذشته ۴- استخدام رسمی کارگران رور مرد با حقوق عادلانه ۵- تعیین مدیر عاملی که در انجام وظیفه اش مستقل باشد و از مدیر عامل سابق (قلی زاده) اطاعت نکند. ۶- تهیه مواد اولیه ۷- انحلال شورای فرمایشی و تشکیل شورای واقعی روز ۱۵ آذر، مامور اعزامی کمیته به شرکت در مقابل مقاومت کارگران با تشکیل

فردای آن روز شورا در حضور پاسدارانی که مامور رسیدگی به شکایت خیر چینی بودند، دادگاهی در کارخانه تشکیل داده و در آن این عده را محاکمه و به اقدام علیه شورای انقلابی کارخانه محکوم نمود. شورا در مقابل تقاضای خیر چینیان به دلیل نا آگاهی آنان با گرفتن تعهد آزادشان کرد. پس از اقدامات شورای کارخانه، مدیر عامل و ایادیش با کارگاهی که بخشی از مواد اولیه کارخانه را تأمین می کرد تماس گرفته و مانع ارسال مواد شد. او می خواست با متوقف ساختن تولید، کارگران را به زانو در آورد. کارگران در وضع مالی خوبی به سر نمی بردند. ولی حاضر شدند حقوق دوماه عقب افتاده خود را که شورا قصد پرداخت آن را داشت،

شورای انقلاب و وزارت کار پس از ملاقات با قلیزاده، مهندس اشتری را به عنوان مدیر عامل جدید به کارخانه می فرستند. شورای کارخانه از طریق مدیر عامل قلیزاده از طریق مدیر عامل جدید، کوشش می کند شورا را تابع خود کند. شورای کارخانه طی نامه ای از شورای انقلاب خواستار مذاکره و رسیدگی شد. جلسه ای بین شورای انقلابی کارخانه و شورای انقلاب اسلامی ایران با حضور اشتری تشکیل شد. در این جلسه شورای انقلاب کوشید که نقش شورای کارخانه را زیر نظر اشتری به یک عامل مشورتی تنزل دهد. شورای انقلابی کارخانه به کنترل و اداره امور کارخانه توسط خود تاکید می کند. ادامه دارد

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر، پیستاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



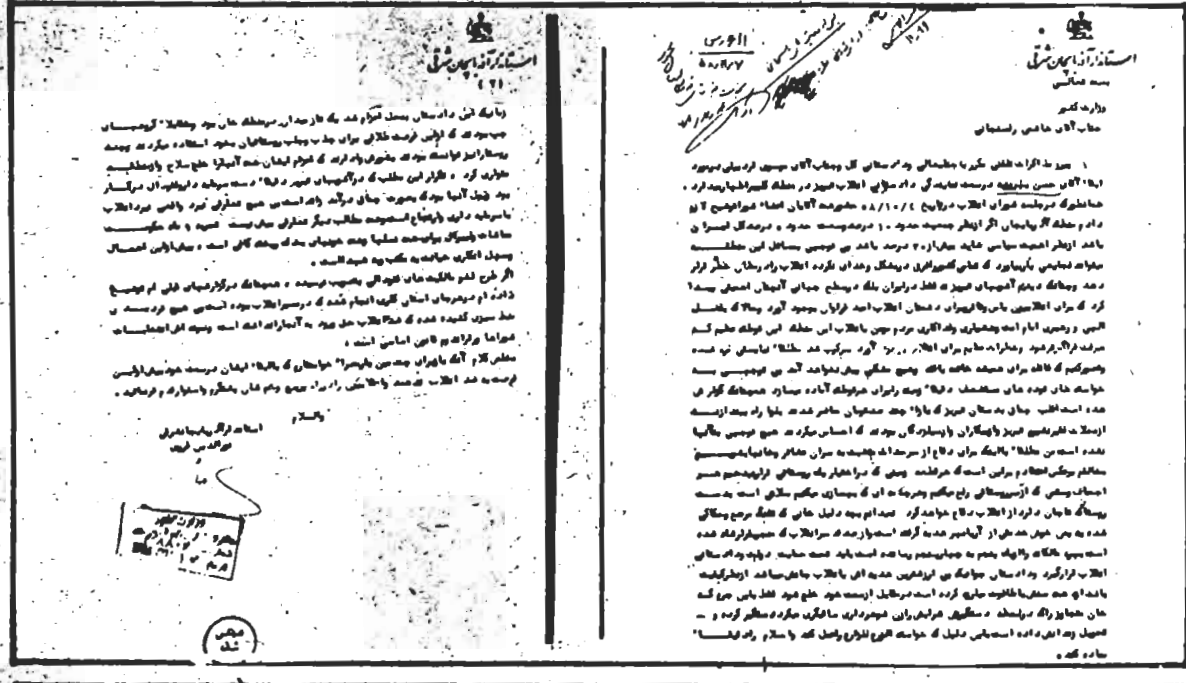
# توطئه‌های شورای انقلاب را در مسلح کردن سران عشایر و خان‌ها افشا می‌کند

## نامه استاندار آذربایجان به وزیر کشور

سندی که در اینجا آورده ایم نامه‌ای است که نورالدین غروی استاندار آذربایجان شرقی حدود یک ماه پیش برای هاشمی رفسنجانی فرستاده است. اسن سند نشان می‌دهد که چگونه شورای انقلاب جانب فئودال‌ها را می‌گیرد و آنان را مسلح می‌کند تا بتوانند از پس دهقانان برآیند ولی در ظاهر می‌گویند برای دفاع از سرحدات این کار را کرده‌اند. غروی در این نامه اعتراض می‌کند که شورای انقلاب تنها در فکر تقسیم زمین بین دهقانان نیست بلکه مشخصا جانب فئودال‌های خدمتگزار آریامهر را می‌گیرد. او شورای انقلاب را متهم می‌کند که با

اهمال خود "بمکتب و به شهدا" خیانت می‌کنند. اما استاندار آذربایجان تمام این حرف‌ها را برای این می‌زند و روی آن تاکید می‌کند که فرصت از دست گروه‌های چپ خارج شود. منظور غروی از نوشتن این نامه در حقیقت توصیه‌ای برای ابقای دادستان کلیر بوده است. اما جالب است که در نامه تاکید می‌کند که اگر اورا به سرکار برگردانید، "چپ‌ها" از این فرصت طلائی برای دفاع از حقوق مردم استفاده خواهند کرد. او هم مقامات بالا را می‌ترساند که اگر اصلاحات نکنید، کمونیست‌ها انقلاب او می‌گویند اهماال و سهل

انگاری کافی است، قاطعانه و به زحمتکشان بدهید تنها علیه نظام غارتگران چپ‌گرای از سرمایه‌داران بگیریید. کمونیست‌ها نتوانند مردم را سرمایه‌داری بشورانند

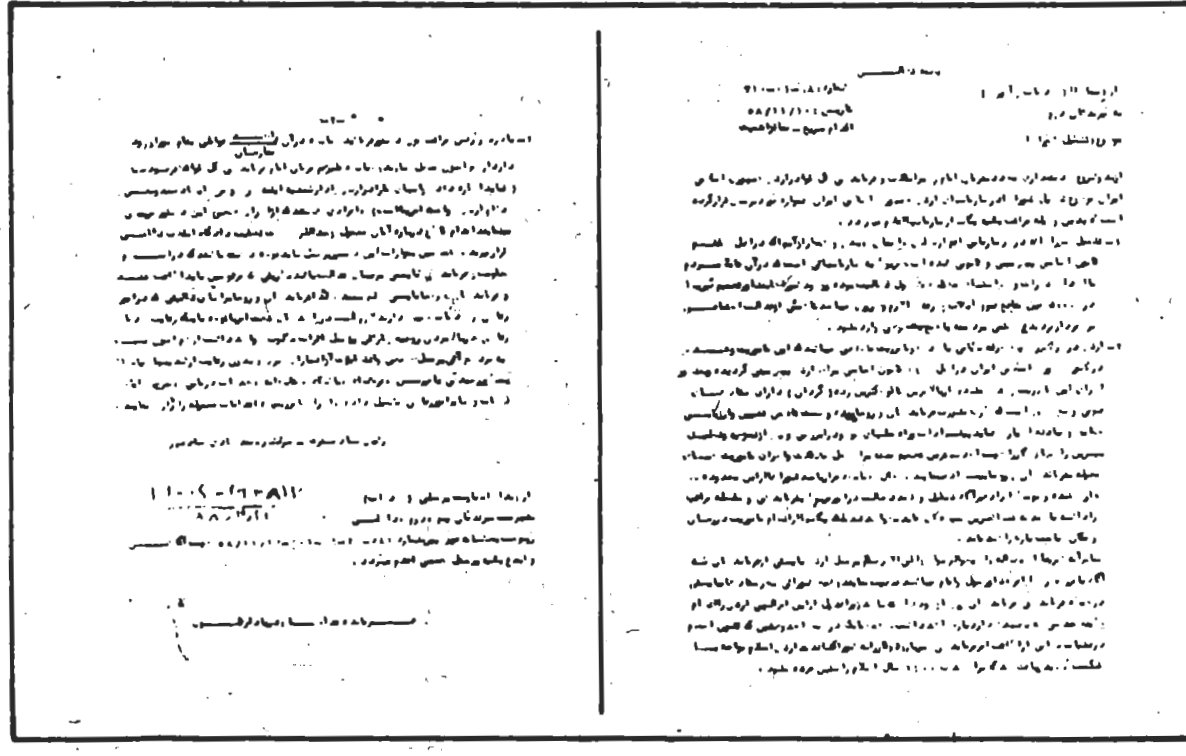
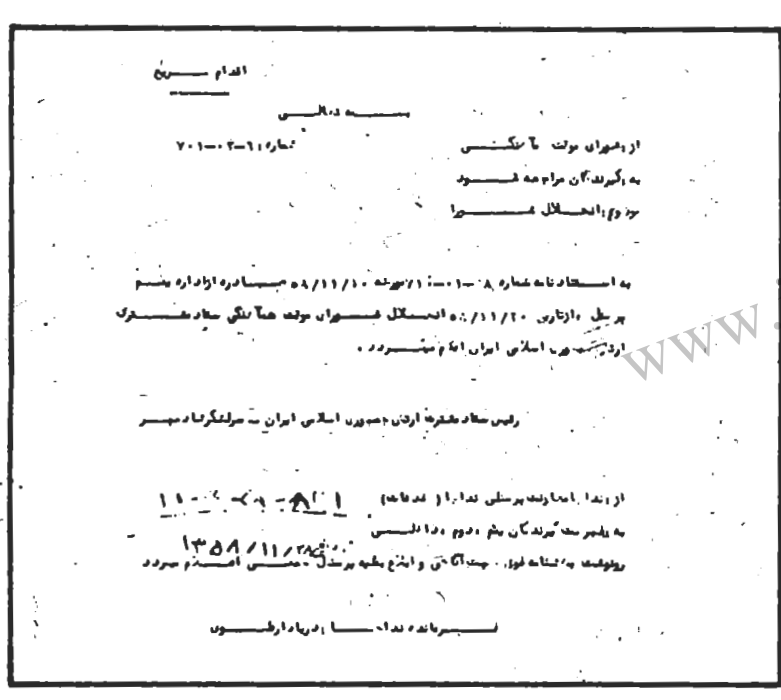


# انحلال شوراها در ارتش، پاسخی که به پرسنل انقلابی داده شد

در شماره ۴۷ کار، سندی چاپ کردیم و گفتیم که در این شماره نیز پیرامون آن مطالبی خواهیم نوشت. این سند نشان می‌دهد که چه اقداماتی برای ایجاد ارتشی که بتواند در کشتار خلق‌های قهرمان ایران و سرکوب انقلابیون نقش تعیین‌کننده داشته باشد، صورت می‌گیرد. برای اینکه ارتشی ساخته شود که تماما در خدمت امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه‌دار و زمین‌داران بزرگ باشد، باید آن را بر پایه اطاعت کورکورانه سازمان داد و هرگونه پیوندی را که بین توده‌های ارتش با کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق وجود دارد قطع کرد. در سرتاسر این سند چنین اهدافی دنبال شده است. بند ۱ در این بند گفته شده است: "تشکیل شوراها مربوط به سازمان‌هایی است که در آن عامه مردم با اهداف و نظرات و خواسته‌های مختلف مشغول فعالیت اند. در این بند سعی شده است با تحریف مفهوم شورا ارتش را از شمول اداره شورائی فستنی اعلام دارد. در چند سطر پائین تر، تنظیم کنندگان این بخشنامه می‌گویند ارتش را به عنوان سازمانی که فراتر از طبقات جامعه قرار دارد، توصیف کنند و رشته‌های پیوندی را که بین سربازان،

درجه‌داران، همافران و افسران جزء با زحمتکشان و توده مردم میهن ما وجود دارد تحریف و مخدوش کنند. در این قسمت از بخشنامه کوشش شده است پیوند بین امرا و فرماندهی ارتش را با طبقه سرمایه‌دار ایران از چشم‌ها پوشیده نگه‌دارند و مانع از درک این حقیقت شوند که سازمان و فرماندهی ارتش به گونه‌ای است که در جهت منافع طبقه سرمایه‌دار و زمین‌داران بزرگ به کار گرفته می‌شود و از آنجا که امپریالیسم ماورا طبقات وجود ندارد. در خدمت امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرارداد.

آشکار و رسماً شوراها غیر قانونی و منحل اعلام می‌شود. در پیرو این بخشنامه، بخشنامه دیگری که تاریخ ۲۸ بهمن دارد صادر می‌شود و طی آن انحلال "شورای موقت هماهنگی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی" اعلام می‌شود. به این ترتیب اساس یک ارتش ضد خلقی، یعنی انضباط و اطاعت کورکورانه مورد تأکید و تحکیم قرار می‌گیرد و این همه به خاطر این است که می‌باید "خانه به خانه" همه آنها را که از خلق‌های قهرمان ایران و منافع طبقه کارگر، دهقانان و سایر زحمتکشان دفاع می‌کنند "سرکوب شوند".



# نابود باد جبهه سرمایه‌داران-لیبرال

## پیام جنبش چپ انقلابی (MIR) شیلی به

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بهمن ۱۳۵۸ - فوریه ۱۹۸۰

رفقای فدائی خلق! به نام جنبش چپ انقلابی (میر) شیلی به شما درود می فرستیم. ما مبارزه خود را در شیلی در پرتو انترناسیونالیسم پرولتری بخشی از جنبش های انقلابی جهان می دانیم. دفاع قاطعانه از هدف های پرولتاریا در مقابله با هرگونه کوشش امپریالیست ها و بورژوازی	انحصاری برای به خدمت در آوردن جنبش مقاومت خلق در طریق خواسته های شان هسته اصلی سیاست کنونی ما را تشکیل می دهد. از آنجا که ما معتقدیم در این رابطه هدف های مشترکی داریم، درودهای رزمنده خود را به رفقای فدائی خلق می فرستیم. چریک کبیر چه گوارا، نشاء، داد که بهترین نشان همبستگی	انقلابی خلقها به عمل در آوردن قاطعانه سیاست انقلابی است. راه او را ادامه دهیم. همبستگی خود را به فدائیان خلق اعلام می کنیم پیروز باد جنبش مقاومت خلق جنبش چپ انقلابی (میر) شیلی
--	--	---



چرا سیل خوزستان اینهمه خسارت و تلفات جانی ببار آورده است؟



آیا بدین دلیل نیست که کارگران زحمتکش، دهقانان تهیدست  
و توده های محروم خلق عرب فاقد همسکن این  
ابتدائی ترین نیاز انسانی هستند

دولت و مسئولین امور در این زمینه هیچ گونه اقدامی انجام نداده اند  
ما خواهان مصادره ساختمانهای سرمایه داران بفع زحمتکشان  
می نهان هستیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - خوزستان

## طرح ترافیک تهران

### اگر واقعا اجرا بشود

### به سود طبقه زحمتکش است

● چنانچه با موج بیکاری که در اثر اجرای طرح پدید می آید، مقابله ننهد، فشارهای اقتصادی اجرای این طرح را با موانع حدی مواجه می سازد.

● بدون تبدیل کارخانه های اتوموبیل سازی موجود به کارخانه های سازنده وسایل نقلیه عمومی طرح نمی تواند موفق باشد.

## پشتیبانی گروهی از نویسندگان

از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
و کاندیداهای عضو سازمان مجاهدین خلق ایران

ایران ضمن محکوم کردن طرح دومرحله ای کردن انتخابات پشتیبانی خود را از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و کاندیداهای عضو سازمان مجاهدین خلق ایران و نیز دکتر منوچهر هزارخانی عضو کانون نویسندگان ایران اعلام می داریم و نیروهای مترقی جامعه را به پشتیبانی از این کاندیداهای بیانگر خواست ها و آرمان های خلق ایران اند، فرا می خوانیم.

حقوق زن و مرد و حقوق خود مختاری خلق ها بر بستر ایرانی آزاد و مستقل، در پیوندی ناگسستنی با مبارزات صدامپریالیستی خلقمان ارزیابی می کنیم، و از آنجا که هماهنگی نیروهای مترقی و انقلابی جامعه در این برهه از حیات پرفراز و فرود سیاسی ایران را یک ضرورت می شناسیم، ما گروهی از نویسندگان، شاعران، محققان و مترجمان

از آنجا که قیام شکوهمند خلق های قهرمان میهنمان را که در بهمن ۱۳۵۷ به واژگونی نظام ضد خلقی پهلوی انجامید نتیجه منطقی مبارزه تاریخی مردم ایران در طریق احقاق حقوق دمکراتیک خود می دانیم از آنجا که تحقق آرمان های قیام راه منظور استقرار مناسبات عادلانه اجتماعی در گرو مبارزه برای تثبیت حقوق کار و دمکراسی (آنگونه که خلق بدان چشم دارد) و برابری کامل

امپریالیسم در جهت قطع وابستگی و در مجموع به سود مردم زحمتکش تمام می شود. شخصی های مسافرکش که بیش از چند هزار خانواده را نان می دهند اکنون بیکار شده اند. بر عهده دولت است تا هر چه سریع تر برای این گروه پلاک تاکسی صادر کند تا هم زمینه اشتغال این عده فراهم شود و هم وسایل نقلیه عمومی بیشتری در اختیار مردم قرار گیرد.

جبهه شهر تهران از روز سه شنبه ۴ اسفند دگرگون شده بود. خیابان ها از اتوموبیل های شخصی خالی بود و مردم زحمتکش راحت تر از گذشته آمد و شد می کردند. مردمی که اتوموبیل ندارند با شادی از این طرح استقبال کردند. سرمایه داران و اقشار مرفه جامعه با این طرح موافق نیستند و در این باره با ما همکاری نمی کنند. اگر واقعا اجرا بشود به سود طبقه زحمتکش است.

# پیشن بستنی تشکیل حزب طبقه کارگر